

# بازارهای سلف ارز موانع و مشکلات ایجاد آن در ایران جناب آقای دکتر احمد عزیزی

مدیرعامل بانک صنعت و معدن

بسم الله الرحمن الرحيم

## پیش‌گفتار

بحث درباره موانع و مشکلات ایجاد بازار سلف ارز در ایران به:

- ۱ - شناخت موانع و مشکلات ایجاد ابزار سلف
- ۲ - آشنایی با نیازمندیها و زمینه‌های لازم ایجاد چنین بازاری و این خود
- ۳ - به آشنایی با اصول اساسی، انواع بازارهای سلف ارز ترتیبات انجام معاملات و منافع بازار سلف ارز نیاز دارد.

لذا موضوع به همین ترتیب در سه مبحث ارائه می‌گردد:

## مبحث اول: معاملات و بازارهای سلف ارز

که پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه، فهرست گونه‌ای از کلیات، تعاریف، ترتیبات، چگونگی عملکرد مربوط به معاملات، نرخ، روشهای محاسبه، بازارگردانان، مدت، ریسک و پوشش ارائه و النهایه سر فصل منافع وجود بازار سلف ارز ارائه می‌شود.

## مبحث دوم: نیازمندیها و زمینه‌های ایجاد بازار سلف ارز

انواع بازارها، ترتیبات سلف ارز در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، تنوع عملیات،

سررسیدها، اثر مقررات بخش مالی، سازماندهی، سفته بازی و تعادل بازار، سرفصل مطالب این مبحث را تشکیل می‌دهد.

### مبحث سوم: موانع و مشکلات ایجاد بازار سلف ارز در ایران

در این مبحث در مورد موانع مربوط به محیط اقتصادی، وجود بخش مالی توسعه یافته، آزادی سقف اعتبارات ریالی، به بازار ارزی آزاد و ... اشاره می‌شود و درباره موانع شرعی با استناد به نظرات فقیه عالیقدر آیت‌ا... رضوانی مشکل عمده‌ای جز مسئله تحویل قطعی یک طرف معامله باقی نمانده است که برای آن هم راه‌حلهایی ارائه شده است. سپس به راه‌حلی بر اساس نظرات آیت‌ا... موسوی بجنوردی پرداخته شده است. والنهایی به سایر موانع که بیشتر جنبه سازماندهی دارد ارائه شده است. و در خاتمه یک جمع‌بندی کلی از مجموع مطالب ارائه گردیده است.

### مبحث اول: معاملات و بازارهای سلف ارز

#### تعریف

قراردادهایی که طی آن مقادیری ارز خارجی، قابل پرداخت در مقطعی از زمان در آینده، در بازار سلف ارز، در مقابل ارز محلی یا ارز خارجی دیگر معامله می‌شود را معامله سلف ارز می‌گویند. در این گونه قراردادها نرخ سلف ارز، مبلغ و سررسید، در زمان عقد قرارداد تعیین می‌گردند.

#### کلیات

۱ - استفاده از نرخ سلف ارز یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال رایج‌ترین روشهای پوشش ریسک ناشی از نوسان نرخ ارز خارجی در برابر پول محلی است. در کشورهایی که این ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد عمدتاً زیربنای لازم از جمله وجود یک بازار منسجم بین بانکی<sup>۱</sup> و آزاد بودن مقررات ارزی و خروج و ورود سرمایه مشاهده می‌شود. چرا که بایستی گفت در صورت نبود و یا ناکافی بودن این زیربناها عملاً بازار سلف مستحکمی را شاهد نخواهیم بود و نرخ بیشتر حالت دستوری و اداری خواهد داشت.

۲ - در بازار سلف نرخ ارز همانند سایر بازارهای ارزی جهان سه دسته شرکت کننده وجود دارند که عبارتند از پوشش دهندگان<sup>۲</sup> که جهت پوشش نیاز واقعی خود در بازار حضور دارند نظیر صادرکنندگان که نگران افت ارز خارجی و کاهش درآمدهای آتی خود بوده و یا واردکنندگان که نگران افزایش ارز خارجی و افزایش هزینه‌های خود می‌باشند.

سوداگران<sup>۱</sup> که با پذیرش ریسک، به بازار عمق بخشیده و خود به دنبال سود ناشی از این پذیرش ریسک هستند و آربیتراژ کنندگان<sup>۲</sup> که با تعقیب و مقایسه نرخهای موجود در بازارهای مختلف مترصد خرید از یک بازار و فروش همزمان آن به بازار دیگر در نرخ بالاتر و سود هرچند کم ولی تضمین شده هستند و با این عمل بلافاصله مغایرتهای موجود در بازارهای مختلف را از بین برده و و صحت و سلامت نرخهای اعلام شده در بازارهای مختلف را برای سایر شرکت کنندگان در بازار به ارمغان می آورند.

۳ - نرخ سلف ارز در بازارهای بین المللی با یکی از دو فرمول زیر محاسبه می شود:

$$F = S + FM$$

$$F = S + \frac{S \times (r2-r1) \times T}{36,000 + (r1 \times T)}$$

که در آن  $FM$  = حاشیه سلف<sup>۳</sup>

$S$  = نرخ نقدی تبدیل ارز<sup>۴</sup>

$r1$  = نرخ بهره ارز پایه

$r2$  = نرخ بهره ارز متغیر

$T$  = مدت سلف برحسب روز

اگر  $FM$  مثبت باشد در آن صورت نرخ سلف ( $F$ ) بیشتر از نرخ نقدی ( $S$ ) بوده و ارز پایه در حالت فزونی سلف<sup>۵</sup> و اگر  $FM$  منفی باشد در آن صورت نرخ سلف ( $F$ ) کمتر از نرخ نقدی ( $S$ ) بوده و ارز پایه در حالت کسری سلف<sup>۶</sup> قرار خواهد داشت و فرمول دیگر:

$$F = S \cdot \frac{1 + R1}{1 + R2}$$

که در  $R1$  = نرخ بهره ارز پایه تعدیل شده بر حسب زمان و

$R2$  = نرخ بهره ارز متغیر تعدیل شده بر حسب زمان می باشد.

۴ - آن گونه که از فرمولهای بالا استنباط می شود، نرخ سلف ارز بستگی به نرخ نقدی ارز، نرخهای بهره دو ارز مربوطه و مدت زمان سلف دارد و اگر هر یک از این عوامل یعنی مثلاً نرخ نقدی ارز و نرخ بهره دو ارز، واقعی و صحیح نباشند، نمی توان انتظار داشت که محصول آنها یعنی نرخ سلف، نرخ واقعی و صحیح باشد.

۵ - در بازارهای سلف ارز مبادله دو ارز مورد نظر در تاریخی در آینده در نرخی که از قبل تعیین می شود صورت می پذیرد. به این ترتیب که در روز عقد معامله دو طرف تعهدی را نسبت به هم پذیرا می شوند که این تعهد را در زمانی در آینده که می تواند از سه روز تا پنج سال و معمولاً

1 - Speculators

2 - Arbitrageurs

3 - Forward Margin

4 - Spot

5 - Forward Premium

6 - Forward Discount

بین یک هفته تا یک سال می‌باشد، به اجرا در می‌آورند.

۶- از آنجا که در معاملات سلف ارز به روش بین‌المللی اصل دو ارز مورد مبادله، در آینده و در یک روز مبادله خواهد شد، با فرض ناچیز بودن ریسک تسویه<sup>۱</sup> که در معاملات نقدی نیز وجود دارد، اصل پول در خطر نخواهد بود و صرفاً ممکن است که مشتری در صورتی که نرخ نقدی بازار در روز تسویه جذابتر از نرخ سلف تعیین و تعهد شده باشد، به عدم ایفای تعهد و سوسه شود. برای از بین بردن چنین حالتی، بانکها با محاسبه میزان تقریبی این احتمال که ریسک تبدیل<sup>۲</sup> نام دارد، از مشتریان شخصی خود وثیقه‌های لازم و از مشتریان تجاری، ملحوظ کردن بخشی از خط اعتباری<sup>۳</sup> آنها را مطالبه می‌نمایند.

۷- تفاوت نرخ سلف ارز و نرخ نقدی آن متأثر از تفاوت نرخ بهره دو ارز مربوطه در بازارهای بین‌المللی است و فرمولهای فوق نیز با فرض سپرده گذاری دو ارز مورد نظر در مدت سلف محاسبه شده است. البته علیرغم این موضوع از آنجایی که در نرخ سلف ارز، سپرده گذاری به طور عملی صورت نمی‌پذیرد با مسئله ناخواسته تورم ترازنامه بانک مواجه خواهیم بود.

۸- در معاملات سلف ارز به شیوه بین‌المللی مرسوم است که به جای بیان نمودن نرخ نهایی سلف، آن را به صورت حاشیه سلف بر روی نرخ نقدی بیان نمایند. علت این امر آن است که نرخ نقدی دائماً در حال تغییر است و در نتیجه نرخ نهایی سلف نیز به دلیل تغییر نرخ نقدی، در تغییر خواهد بود حال آنکه ممکن است حاشیه سلف که متأثر از تفاوت نرخ بهره دو ارز است برای مدت قابل توجهی ثابت باشد. به عبارت دیگر می‌توان بدون اعلام نرخ سلف، صرفاً نرخ نقدی را اعلام نمود و در کنار آن حاشیه سلف را که ثبات بیشتری خواهد داشت، جداگانه بیان کرد. این روش در مورد نرخ سلف احتمالی ریال نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۹- نرخ سلف ارز می‌تواند مورد استفاده پوشش دهندگان، سوداگران، معامله‌گران قرار گیرد. در مورد ریال ایران پس از ایجاد زیربناهای لازم می‌توان معاملات را صرفاً محدود به پوشش دهندگان (صادرکنندگان و واردکنندگان) نمود تا پس از تجربه موفق در این مورد آن را به سایر شرکت کنندگان در بازار تعمیم داد.

۱۰- نرخ سلف ارز می‌تواند در مورد بسیاری از ارزهای عمده جهانی مورد استفاده قرار گیرد. در مورد ریال ایران برای شروع کار می‌توان آن را به چند ارز اصلی در تجارت خارجی کشور مثلاً به دلار آمریکا و یا مارک آلمان محدود نمود و سپس به ارزهای عمده دیگر تعمیم داد.

۱۱- نرخ سلف ارز می‌تواند برای دوره‌های زمانی مختلف از سه روز تا پنج سال مورد استفاده قرار گیرد. در مورد ریال ایران و در شروع کار می‌توان آن را به چند دوره زمانی مشخص مثلاً سه،

1 - Settlement Risk

2 - Exchange Risk

3 - Credit Line

شش و دوازده ماه محدود نمود.

۱۲ - در بازارهای بین‌المللی پوشش ریسک سلف ارز صرفاً با استفاده از معاملات سلف ارز صورت نمی‌گیرد بلکه معاملات آتی ارز<sup>۱</sup> و معاملات اختیاری ارز<sup>۲</sup> برای دوره‌های زمانی معمولاً تا یک سال (و بعضاً تا دو سال) و معاملات رجوعی<sup>۳</sup> برای زمانهایی با ضریب سال (مثلاً تا ده سال) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استفاده از این ابزار در مورد ریال ایران فعلاً مطرح نمی‌تواند باشد.

۱۳ - مهمترین وجه تشابه معاملات سلف و نقدی به این شرح است:

۱ - ۱۳ - بانکهای تجاری نقش اصلی را در هر دو معامله ایفا می‌کنند.

۲ - ۱۳ - رویه انعقاد قرارداد در هر دو بازار یکسان است.

۳ - ۱۳ - دلار آمریکا محور اصلی معاملات در هر دو بازار می‌باشد.

## مبحث دوم: نیازمندیها و زمینه‌های ایجاد بازار سلف ارز

### انواع بازارها

در اغلب کشورها پوشش سلف ارز به یکی از دو شکل رسمی یا تجاری وجود دارد. اشکال مزبور در هر کشور متفاوت است و از نظر کارایی اقتصادی و مدیریت اقتصاد کلان دارای نتایج گوناگونی می‌باشد.

سه شکل عمده نظام سلف ارز بدین قرار است:

۱ - بر اساس نرخهای بازار<sup>۴</sup> با امکان مداخلات رسمی.

۲ - بر اساس تقریب بازار<sup>۵</sup> که مسئولین دولتی تلاش می‌نمایند تا نرخهای سلف را طوری تعیین کنند که شرایط بازار آزاد را شبیه سازی نماید. (به عنوان مثال با استفاده از نرخ تورم ارز محلی)

۳ - پوشش رسمی و تضمین نرخ ارز به نرخهای ثابت (غیر از نرخ بازار)

در عمل دو روش اخیر منجر به هزینه‌های یارانه پرداختی دولتها می‌شوند که بنوبه خود برای سود بانکهای مرکزی، بودجه عمومی و انبساط پولی، عواقب جدی در بر دارد.

برقراری پوشش سلف ارز می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در رفع آثار اختلاف انگیز نوسانات نرخ برابری ارزها داشته باشد. بدیهی است برقراری بازار سلف ارز در غیاب بازار ارز نقدی امری به

1 - Currency Futures

2 - Currency Options

3 - Cross - Currency Swap

4 - Market Determined

5 - Market approximating

مراتب غیر واقع بینانه‌تر از شرایطی است که سیستم‌های مالی توسعه یافته و بازار کارآی نقد<sup>۱</sup> ارز وجود داشته باشد.

وجود بازار کارای نقدی ارز، بازارهای مالی کوتاه مدت و میزانی از آزادی نقل و انتقالات سرمایه‌ای از شرایط اولیه مورد نیاز برای ایجاد و توسعه بازار سلف ارز می‌باشد.

در اغلب کشورهای صنعتی نرخ سلف توسط بازار تعیین می‌شود. در کشورهای در حال توسعه بازارهای سلف محدودی بر اساس نرخهای تعیین شده توسط بازار وجود دارد. استفاده از روش تقریب بازار هم بندرت دیده می‌شود. ولی ترتیبات نوع سوّم، یعنی پوشش نرخ ارز از طریق تثبیت رسمی دارای سابقه طولانی و متداول می‌باشد.

### ترتیبات سلف ارز در کشورهای صنعتی

اجتناب از ریسک معاملات تجاری و فعالیتهای اقتصادی ارزی همواره امری مطلوب بوده است. گرچه در کشورهای صنعتی طی قرون متمادی ابزارهایی، مثلاً برات مدت‌دار<sup>۲</sup>، برای تحقق این هدف وجود داشته است، لکن توسعه ابزارهای مالی در نیمه دوم قرن نوزدهم، در اروپا، باعث ایجاد بازارهای سلف ارز گردید. در بازارهای سلف ارز با عرضه ارز توسط صادرکنندگان، تقاضای ارز توسط واردکنندگان ریسک ارز کاهش می‌یابد و یا با انتقال ریسک به سفته‌بازان که علاقه‌مند به تحمل ریسک می‌باشند، ریسک ارز از بین می‌رود. همانطور که در مدل‌های قیمت‌گذاری داراییهای سرمایه‌ای<sup>۳</sup> تعبیه گردیده است، بازده، تابع مستقیمی از سطح ریسک می‌باشد. لذا کاهش ریسک ارزی می‌باید موجب کاهش سود مورد انتظار تجار و بنابراین، باعث کاهش هزینه‌های واردات و صادرات گردد. کینز<sup>۴</sup> در سال ۱۹۲۲ گفت؛ دسترسی به پوشش سلف باعث اجتناب تجار از عملیات سفته‌بازانه و تمرکز بر تجارت که تخصص آنهاست می‌گردد. ولی بانکهای مرکزی کشورهایی که دارای بازار کارای سلف ارز نبودند را تشویق به ایجاد و توسعه این گونه بازارها یا ارایه پوشش حمایتی به بانکهای تجاری برای تحقق هدف مزبور نمود. هرچند بانکهای مرکزی را تشویق نمود که در بازارهای نقد<sup>۵</sup> وضعیتهای خود را پوشش داده و از به دوش کشیدن ریسک ارز بازداشت.

امروز، پوشش ریسک انتقالات سرمایه‌ای، مخصوصاً برای بدهکارانی که می‌خواهند اقساط و بهره‌های آتی را پوشش دهند، به مراتب مهمتر از گذشته است. بازارهای سلف ارز باعث تشویق قرض دهندگان و قرض گیرندگان برای عقد قرارداد به ارزشهای مختلف بوده و دسترسی اتباع

1 - spot

2 - long bill

3 - CAPM

4 - keynes

5 - spot

کشورها را به تامین مالی خارجی بهبود می بخشد. بعلاوه از دیدگاه سرمایه گذار خصوصی، این گونه بازارها باعث توسعه ارزشهای مورد نیاز پرتفوی سرمایه گذاری می باشند.

نرخهای سلف رامی توان به عنوان علامتی برای نوسانات نرخهای نقدی در آینده تلقی نمود، بازار سلف ارز خود می تواند نقش احیاگری در رابطه با کارایی و پیچیدگی سایر اجزای سیستم مالی را ایفا نماید.

عملکرد بازارهای سلف اثر متقابل بر کارایی سایر بخشهای مالی نیز دارد. اثرات مطلوب بازارهای سلف بر تجارت و معاملات سرمایه بخصوص توسط مقامات این کشورها مورد استقبال قرار گرفته است. بنابراین کشورهای صنعتی همواره سعی داشته اند که بازارهای سلف خود را به صورت فعال و با حداقل مقررات جهت پوشش ریسک معاملات تجاری و پرداختهای اصل و فرع بدهی خود حفظ نمایند. قبل از وجود بازارهای سلف تسهیلاتی از طریق بانکهای مرکزی برای مقامات این کشورها فراهم می شد. ولی مشکلاتی به لحاظ تقبل ریسک نوسانات نرخ ارز به بانکهای مرکزی تحمیل می گردید که نهایتاً منجر به ایجاد کسر بودجه شدیدی می شد.

#### معاملات سلف ارز در کشورهای در حال توسعه

بازارهای سلف در کشورهای در حال توسعه رو به رشد است. در این کشورها معاملات سلف در شرایط رقابتی توسط بانکهای تجاری به بخش خصوصی ارائه می شود. در برخی از کشورها این بازارها در کنار بازارهای نقدی شناور وجود دارد مانند جامائیکا، نیجریه، فیلیپین و زئیر. در برخی دیگر به دلیل برخوردار بودن از سیستم مالی پیشرفته و سیستم نرخ ارز آزاد و یا هر دو، این گونه بازارها پیشرفت زیادی داشته اند مانند برزیل، شیلی، اندونزی، اردن، کره، مالزی، سنگاپور، تایلند و امارات متحده عربی.

معمولترین معاملات سلف در کشورهای در حال توسعه مربوط به ایجاد تسهیلات به صورت سلف می باشد که از طریق بانکهای تجاری و یا مستقیماً از طرف بانکهای مرکزی و یا مراکز رسمی به بخش خصوصی یا دولتی ارائه می گردد و در این شرایط دسترسی به بازار سلف معمولاً محدود به بازرگانان و یا استمهال بدهی به طلبکاران خارجی می شود. در برخی مواقع شرایط تسهیلات معاملات سلف به صورتی طراحی می گردد که زیانی در پی نداشته باشد و یا شرایطی مشابه بازار نقدی را پیشنهاد می نمایند. در بیشتر مواقع حق پوشش<sup>۱</sup> برای مدت طولانی تثبیت می شود، بدون اینکه شرایط بازار در نظر گرفته شود و یا مستلزم دریافت سوبسید محتاطانه از بودجه دولت شده باشد. حتی اگر شرایط پوشش سلف با توجه به شرایط برآورد شده تجاری ارائه شود، یک بانک مرکزی که ارز را به صورت سلف در اختیار واردکنندگان قرار می دهد ممکن است به دلیل



کاهش ارزش پول ملی خود در خلال دوره آینده بیش از میزان تنزیل در نظر گرفته شده متضرر گردد. مگر آنکه بانک مذکور وضعیت خود را در بازار از طریق انجام معاملات نقدی و یا سلف دیگری پوشش دهد. از آنجایی که بانکهای مرکزی (برخلاف بانکهای تجاری) بدلیل عدم توسعه بازارهای داخلی در جهت پوشش ریسکها نمی‌توانند وضعیت خود را پوشش دهند و یا شاید به دلیل محدودیت ذخایر و ممانعت از ایجاد فشار بر بازارهای نقدی که ممکن است در اثر انجام اینگونه معاملات بوجود آید، معمولاً زیانهای ناشی از معاملات سلف در این کشورها متداول است، حتی متداولتر از سود بردن، این به دلیل کاهش مستمر ارزش پول به همراه فروشهای سلف قراردادی می‌باشد.

ترتیبات سلف ارزی در کشورهای در حال توسعه تضمین مستقیم یا غیر مستقیم نرخ برابری را در برمی‌گیرد. معمولاً معاملات سلف برای دریافت‌های صادراتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. مهمترین دلیل آن این است که در اغلب کشورهای در حال توسعه همواره این انتظار وجود دارد که ارزش برابری پول ملی کاهش یابد. به این ترتیب صادر کنندگان ترجیح می‌دهند ریسک تغییرات نرخ ارز را بپذیرند.

### انواع بازارها از لحاظ تنوع عملیات

بطور کلی بازارهای سلف ارز را به سه دسته اصلی می‌توان تقسیم نمود:

- ۱- اساسی‌ترین بازارها آن دسته هستند که معاملات سلف ارز را صرفاً برای معاملات تجاری و گاهی اوقات، بازپرداخت بدهی مجاز می‌شمارند.
- ۲- در این بازارها علاوه بر عملیات فوق‌الذکر امکان پوشش نرخهای بهره را نیز فراهم می‌نمایند.
- ۳- در اینگونه بازارها علاوه بر موارد فوق‌الذکر عملیات کاملاً سفته‌بازانه و داشتن وضعیت باز<sup>۱</sup> نیز مجاز شمرده می‌شود.

### سررسیدها

سررسید معاملات سلف معمولاً تا یکسال است. حجم معاملات بیش از یکسال نسبت به حجم معاملات کمتر از یکسال به مراتب کوچکتر می‌باشد. در برخی بازارها محدودیت قانونی وجود دارد و بیش از یکسال ۱۸ ماه یا... نمی‌توان سررسید برای معامله سلف تعیین نمود بندرت برای پنجسال و یا بیشتر معامله سلف انجام می‌شود که در آن صورت حاشیه تفاوت قیمت بسرعت بزرگتر می‌شود.



### اثر مقررات بخش مالی

کنترل‌های ارزی بعنوان مبالغی بر سر راه توسعه بازار سلف ارز تلقی می‌شود. اگر جایگزینی داراییها در بازار نقدی و در پاسخ به نوسانات مورد انتظار ارزشها مجاز نباشد، عرضه و تقاضا برای اینگونه داراییها در بازار سلف احتمالاً متاثر شده و منحرف می‌گردند. این امر ممکن است به عدم تعادل در بازار سلف و کمبود یکی از دو طرف معاملات (خرید یا فروش) منجر شود. لذا هر چه کنترل در مورد حسابهای جاری و سرمایه تر از پرداختها زیادتر باشد، به میزان مقررات اداری و دولتی در بازار سلف ارز بیشتر خواهد بود.

طبیعت بازارهای پول ملی نیز بر کارایی بازار سلف ارز مؤثر است. زیرا دامنه اختلاف نرخ بهره، مستقیماً تعادل نرخ سلف را متأثر می‌سازد. عملیات معامله‌گری<sup>۱</sup> باعث اتکای متقابل بازارهای ارز و بازارهای پول ملی در فرایند تعیین نرخهای بهره می‌باشد. هر گاه بازارهای ملی فاقد نظام انعطاف پذیر نرخ بهره و آزادی عملیات اعتباری (وجود سهمیه‌بندی و محدودیت اعطای اعتباری) باشد، نرخهای سلف شاخصهای واقع بینانه نوسانات نرخهای نقدی ارز در آینده نخواهند بود. در چنین حالتی نیز مانند وجود محدودیتهای ارزی، بازار کارایی خود را از دست خواهد داد. بدین ترتیب از مطالب فوق‌الذکر می‌توان به نقش بانکهای مرکزی در توسعه بازارهای سلف ارز پی برد. به نظر می‌رسد بانکهای مرکزی علاوه بر ملاحظات فوق بایستی حداقل در شروع کار خود موسس بازار سلف ارز باشند، هرچند که هزینه اولیه‌ای در این رابطه متحمل گردند. حتی در کشورهای توسعه یافته نیز بانکهای مرکزی این نقش را ایفا کرده‌اند (مثال ایرلند، زلاندنو، فنلاند و استرالیا).

### منافع بازار سلف ارزی

در سطح کلان اقتصادی وجود بازار سلف ارز موجد منافع ذیل است:

- ۱ - افزایش کارایی و کاهش حاشیه سود مورد انتظار در مورد کالاهای وارداتی (ناشی از کاهش میزان ریسک نرخ ارز)
- ۲ - بهبود شرایط عمومی محیطی برای سرمایه‌گذاری ناشی از ایجاد ثبات بیشتر از طریق پوشش ریسک ارزی کوتاه مدت (نه بلندمدت) برای سرمایه‌گذاران
- ۳ - بازار سلف موجب کاهش نیاز تجار به ذخیره ارز به عنوان سرمایه در گردش مورد نیاز می‌گردد و نتیجتاً دسترسی عمومی به ارزهای خارجی را بهبود می‌بخشد. فشار تقاضا بر ذخایر ارزی بانک مرکزی را کاهش داده و در نتیجه باعث رشد اعتبار بین‌المللی کشور می‌شود.
- ۴ - ترتیبات سلف ارز باعث تشویق وارد کنندگان به تدارک دسترسی بیشتر به منابع خارجی

تأمین مالی می‌گردد و از این طریق پشتوانه بیشتری برای تراز پرداختهای کشور فراهم می‌نماید. ۵ - بازار سلف می‌تواند باعث بازگشت سرمایه در گردش ارزی اتباع مقیم، نگهداری سده در خارج گردد و بدین ترتیب عاملی برای تغییر جهت خروج سرمایه شود.

### سازماندهی

دو شکل متمایز برای ایجاد بازار سلف ارز توصیه می‌شود:

۱ - بانک مرکزی مستقیماً بازار را ایجاد و اداره نماید، ریسک مربوط را به عهده بگیرد و رفته رفته تلاش کند نقش خود را کاهش دهد تا اینکه کلیه عملیات را به بانکهای تجاری واگذار نماید. ۲ - بانک مرکزی از طریق بانکهای تجاری و تأمین وجوه مورد نیازشان عمل نماید و بانکهای تجاری در تعیین نرخ، بتدریج مشارکت نموده و در نهایت نقش بانک مرکزی محدود به نقش نظارتی گردد.

بهرتر آن است که بانکهای تجاری خود بازار سلف ارز را اداره نمایند و بانک مرکزی در مراحل پیشرفته و بهبود یافته بازار از دخالت یا حمایت دست بردارد. ولی برای مراحل اولیه به نظر می‌رسد چاره‌ای جز حمایت بانک مرکزی نباشد. برای جلوگیری از خطر اینکه بازار به صورت یکطرفه (فقط واردکنندگان متقاضی خرید ارز باشند و صادرکنندگان به انتظار کاهش ارزش پول محلی از فروش ارز سلف خودداری نمایند) بایستی حمایت دولت و بانک مرکزی متوجه دو سوی بازار (خرید و فروش) باشد.

در مواردی که نرخ ارز در بازار موازی و بازار رسمی دارای تفاوت زیاد هستند، ممکن است لازم باشد که حاشیه قیمت سلف را بیش از سطح محاسباتی آن تعیین نمود تا منعکس کننده ریسک تعدیل نرخ ارز در آینده باشد. البته بایستی توجه داشت که اضافی حاشیه مذکور بایستی آنچنان تعیین گردد که به عنوان علامتی جهت کاهش نرخهای نقدی ارز (کاهش ارزش پول محلی) نگردد.

### سفته بازی و تعادل بازار

سفته بازی را می‌توان به عنوان «خرید دارایی یا اختیار<sup>۱</sup> به انتظار کسب بود» تعریف نمود. تئوری اقتصاد کلان نئوکلاسیک، سفته بازی را فرایندی اساسی به تعادل می‌داند. به این مفهوم سفته بازی امری مفید بوده و از طریق معامله گری بین قیمت‌های مختلف داراییهای یکسان، واقع می‌گردد.

فرض تئوری این است که سفته باز موفق قدرت پیش‌بینی عدم تعادل عرضه و تقاضا در بازار

و بهره‌برداری از آن را دارد. بنابراین، سفته‌بازان و معامله‌گران (بدون اطلاعات درونی و محرمانه) کسانی هستند که اقدام به ریسک نموده که برای کارایی عملیات بازار نقش اساسی دارد. همین اقدام، از طریق تصحیح قیمت‌ها باعث بازگشت مجدد تعادل در سطح قیمت‌های جدید، به بازار می‌شود. زیرا فرض بر این است که سفته‌بازان اضافه عرضه را می‌خرند و در زمان وجود تقاضای اضافی آنها را می‌فروشند. بنابراین، باعث کاهش دامنه تغییرات قیمت می‌شوند. لذا سود ایشان در حقیقت پاداش ریسک اتخاذ شده می‌باشد.

در این صورت حجم معاملات سفته‌بازانه تنها بخش کوچکی از بازار را بایستی تشکیل دهد. زیرا در غیر این صورت بجای کنترل نوسانات قیمت، باعث انحراف در قیمت‌ها می‌شود. به علاوه چنانچه انتظارات اکثریت سفته‌بازان غلط باشد، آنگاه عملیات ایشان باعث بروز بی‌ثباتی در بازار می‌شود. هر چند سفته‌بازانی که اشتباه می‌نمایند به سرعت سرمایه خود را از دست داده و از بازار حذف می‌شوند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که شرایط ذیل باید در بازار فراهم باشد تا سفته‌بازی صحیح شکل گیرد:

- ۱ - داراییهای مورد بحث بایستی حتی‌المقدور و استاندارد شده و یکسان باشند.
  - ۲ - بازار بایستی کارا باشد و میعان داشته باشد.
  - ۳ - دارایی بایستی بادوام باشد یا هزینه نگهداری پایینی داشته باشد.
  - ۴ - داراییها بایستی معمولاً در حجم زیاد دارای ارزش بالایی باشند.
- مثالهایی برای موارد فوق عبارتند از بازارهای مالی، سهام، اوراق قرضه، مواد اولیه، فلزات، گرانبها و پایه)، محصولات کشاورزی و نفت.

### مبحث سوم:

## موانع و مشکلات تشکیل بازار سلف ارز در ایران

موانع و مشکلات بر سر راه ایجاد بازار سلف را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

- ۱ - موانع مربوط به محیط اقتصادی
  - ۲ - موانع شرعی
  - ۳ - سایر موانع
- ذیلاً به اختصار هر یک از دسته‌بندیهای فوق را شرح می‌دهیم:

### ۱- موانع و مشکلات مربوط به محیط اقتصادی

اساساً کارایی ابزارها نسبی است و به کارایی سایر ابزارهای مرتبط، شرایط محیط عمومی و

سیاستهای اقتصادی بطور مستقیم یا غیرمستقیم بستگی دارد. همانطور که تحت عنوان «اثر مقررات بخش مالی» ذکر گردید، لوازم توسعه و کارایی بازار سلف ارز را می‌توان به شرح ذیل ذکر نمود:

۱-۱ - وجود بخش مالی توسعه یافته، عمیق و کارا، شامل:

۱-۱-۱ - برخورداری از نظامی که نرخهای سود در بازار تعیین گردد. این امر که در حقیقت امکان دستیابی به زیربنای مورد لزوم برای تعدیل و انعطاف‌پذیری در حوزه عرضه و تقاضای پول را میسر می‌سازد، متأسفانه در کشورمان وجود ندارد. با توجه به آنکه محاسبه نرخ سلف متأثر از نرخهای سود است در تعیین نرخ سود ریال ایران برای دوره‌های زمانی مورد نظر، چنانچه از نرخهای سود موجود در سیستم بانکی استفاده شود، با توجه به اینکه نرخهای مذکور به صورت اداری و کنترل شده تعیین می‌گردد و بازار در تعیین آن نقشی ندارد، باعث تعیین قیمت سلف در سطح مصنوعی خواهد گردید که بنوبه خود منجر به عدم استقرار شرایط صحیح ایجاد بازار و بروز هزینه‌های بسیار گزاف می‌گردد. در این رابطه می‌توان از نرخهای تورم ماهانه بجای نرخ سود ریال در تعیین نرخهای سلف ارز استفاده نمود. نرخهای تورم که می‌تواند بخوبی نماینده تغییرات قدرت خرید پول ملی باشد، جایگزین مناسبی برای نرخهای سود تعیین شده در بازار خواهد بود و حداقل تا زمانی که شرایط تعیین نرخ توسط بازار تحقق یابد می‌توان از آنها استفاده نمود.

۱-۱-۲ - از دیگر شرایط مورد نیاز در بخش مالی عدم کنترل سقفهای اعتبارات ریالی، وجود ساختار کارایی تخصیص بهینه منابع اعتبارات بانکی بر اساس بازدهی اقتصادی و تنوع سازمانهای مالی و مقررات‌زدایی و خصوصی سازی در این حوزه می‌باشد. البته این شرایط در حقیقت بیان‌کننده شرایط ایده‌آل برای استقرار و عملکرد مناسب بازار سلف و جلوگیری از انحراف در قیمت‌ها است و در صورت غیبت یا عدم تناسب ساختار، می‌توان به استقرار بازار اقدام نمود، لکن نیازمند به مراقبتهای به مراتب گسترده‌تر و شدیدتر بوده و مخاطره ایجاد انحراف در شرایط کارایی بازار به مراتب بیشتر خواهد بود.

۱-۱-۳ - محدودیتهای مربوط به تراز پرداختها - محاسبه نرخ سلف ارز مستقیماً بر مبنای نرخ نقدی ارزها صورت می‌گیرد. لذا انتخاب نرخ نقدی صحیح از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است. بنابراین، وجود بازار نقدی آزاد و کارا از دیگر شرایط مورد نیاز برای توفیق بازار سلف ارز می‌باشد که در کشورمان در حال حاضر به صورت رسمی وجود ندارد.

بعلاوه هرچه محدودیتهای مربوط به تراز پرداختها کمتر باشد، شرایط بهتری برای توفیق بازار سلف ارز بوجود خواهد آمد در حال حاضر محدودیتهای بسیاری در حسابهای جاری و سرمایه تراز پرداختهای کشور وجود دارد که بنوبه خود مخاطراتی برای بازار سلف و عملکرد بهینه آن ایجاد می‌نماید.

۱-۲ - در معاملات سلف در بازارهای بین‌المللی ترافیک دو طرفه وجود دارد به این معنی که دسته‌ای فروشنده سلف و دسته‌ای خریدار سلف ارز خارجی هستند و تقریباً تعادلی بر میزان فروش و خرید حاکم است و اصولاً هر گونه عدم تعادل نسبی نیز بلافاصله در نرخهای سلف نمود کرده، نرخ را بالا و پایین خواهد برد ولی به هر حال در مورد ارزهای جهان شمول این بالا و پایین رفتن‌ها منطقی و نسبتاً محدود است. در مورد کشورهای در حال توسعه در بسیاری از زمانها ترافیک یک طرفه نرخ سلف وجود دارد به این معنی که صادرکنندگان کالا و خدمات که دریافت کنندگان آتی ارز هستند، نگران افت ارزش ارز خارجی در مقابل پول محلی خود نیستند و بالعکس واردکنندگان کالا و خدمات که نیاز آتی به ارز دارند، نگران افزایش ارزش ارز خارجی در مقابل پول محلی خود هستند. بالطبع در چنین حالتی خریداران آتی ارز بمراتب بیشتر از فروشندگان آتی ارز هستند و هر چه محیط تورمی شدیدتری در جامعه وجود داشته باشد، این وضعیت شدت بیشتری به خود می‌گیرد. البته می‌توان با گرانتر نمودن نرخ سلف ارز انگیزه بیشتری برای فروش سلف آن ایجاد کرده، انگیزه خرید آتی آن را کاهش داد. لیکن این موضوع بعضاً خوشایند مقامات پولی کشورها نبوده و حتی ممکن است اگر که کار با مطالعه کافی صورت نگیرد، بر دید منفی بازار نسبت به افت شدید ارزش ارز محلی در آینده مهر صحت گذارد. این وضعیت منفی ممکن است بر بازار نقدی ارز نیز تأثیر گذاشته، نرخهای نقدی ارز را نیز به تبع نرخهای سلف ارز بالا ببرد.

به هر حال اگر با حربه تغییر نرخ به جنگ این وضعیت نرویم و یا حربه تغییر نرخ را درازمدت کارساز نبینیم، مجبور هستیم فروش بیشتر سلف ارز و خرید کمتر سلف ارز را که هزینه زاست، بپذیریم. این هزینه را قطعاً بانکهای تجاری و بانک مرکزی کشور نمی‌توانند تحمل کنند و چاره‌ای بجز پیش‌بینی این هزینه در بودجه سالانه کشور نیست. بالنتیجه دولت بایستی جهت ایجاد فضای مناسب سلف و حذف ریسک نرخهای تبدیل ارز از معاملات تجاری این هزینه را پذیرا باشد.

## ۲- موانع شرعی

این بخش در حقیقت قسمت اصلی بحث مورد نظر این مقاله است. چراکه چنانچه از دیدگاه نظری بتوان راهی برای تطبیق بازار سلف ارز با شرع اسلام جستجو نمود، در حقیقت عمده‌ترین مانع مرتفع خواهد گشت. در این صورت بانک مرکزی بر مبنای راه‌حل و اصول پذیرفته شده و معمول بین‌المللی و مجوز شرعی، آیین‌نامه ذریبط را تنظیم و در شورای پول و اعتبار طرح تا پس از تصویب جهت اجرا ابلاغ گردد.

سؤالات اصلی و پاسخهای آنها می‌تواند به شرح ذیل باشد:

سؤال ۱ - آیا از نظر شرع اسلام اسکناس و نقود بیگانه با یکدیگر و با ارز محلی مجاز می‌باشد یا خیر؟

پاسخ - تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد و تفحص نموده است، نظر مجتهدین و مراجع شیعه بر جواز معاملات فوق می‌باشد.

سؤال ۲ - آیا می‌توان ارزهای بیگانه را در مقابل یکدیگر یا در مقابل ارز محلی به صورت نسیه یا سلف معامله نمود؟

پاسخ - این مورد هم مانند پاسخ سوال ۱ مثبت می‌باشد و بلاشکال است.

سؤال ۳ - آیا می‌توان برای تعیین قیمت سلف ارز نرخهای بهره ارزها (تفاوت آنها)، تفاوت نرخهای تورم اقتصادی مربوط به ارزهای مورد نظر، یا تفاوت نرخ بهره یکی با نرخ تورم دیگری استفاده نمود؟

پاسخ - در نهایت بایستی قیمت برای طرفین معامله مشخص باشد و اینکه قیمت بر چه مبنایی تعیین می‌گردد و با چه محاسباتی توسط طرفین معامله یا کارشناس تعیین و مورد توافق قرار می‌گیرد، در نتیجه کار هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌نماید، لذا می‌توان برای تعیین قیمت سلف ارز از نرخهای مذکور در متن سوال، منجمله نرخ بهره ارزها استفاده نمود.

### مشکل اصلی - قبض و اقباض ثمن و مثن معامله

معاملات از نظر اسلام به چهار گونه تقسیم می‌شوند و نظر شریعت اسلام در مورد آنها بقرار زیر است:

نوع معامله	شرح معامله	نظر فقه
نقد	ثمن و مثن معامله در زمان انجام قرارداد مبادله می‌گردد	حلال
سلف	ثمن معامله در زمان قرارداد پرداخت می‌شود ولی مثن در زمان مشخص آتی تحویل می‌گردد	حلال
نسیه	ثمن معامله در زمان آتی پرداخت می‌گردد ولی مثن در زمان قرارداد تحویل می‌شود	حلال
کالی به کالی	ثمن و مثن هر دو به زمان آتی موقوف می‌گردد	حرام

بر طبق شریعت اسلام بدین ترتیب، معاملات سلف ارز به شیوه معمول بین‌المللی، از نظر اسلام کالی به کالی محسوب شده و مورد قبول نمی‌باشد.

در این صورت چنانچه یک طرف معامله در روز قرارداد تسلیم گردد و طرف دیگر در روز سررسید معامله سلف تحویل گردد، ریسکی معادل ۱۰۰ درصد برای طرف تحویل دهنده اولیه (در مورد اعتبار طرف مقابل برای تحویل در سررسید سلف) بوجود خواهد آمد. خصوصاً اگر طرف



دهنده در روز عقد قرارداد، بانک و طرف گیرنده مشتری باشد (مثلاً در مواردی که بانک ارز صادر کننده را به صورت سلف خریداری نماید)، البته در این قسمت هدف صرفاً بررسی جنبه‌های شرعی (اسلامی) موضوع است.

### در جستجوی راه حل

برای حل مشکل فوق‌الذکر در مورد تحویل حداقل یک طرف معامله (ثمن یا مثنم) با مراجعه به فقهای شیعه حداقل سه نظریه و راه حل به نظر می‌رسد که ذیلاً ذکر می‌گردد.

#### راه حل اول - بر اساس تحویل قطعی یک طرف معامله در زمان عقد قرارداد

محاسبه نرخ فاصله سلف از طریق تبدیل ریال به ارز مورد معامله در بازار نقدی، به نرخ روز معامله و سپرده‌گذاری ارز حاصل به مدت معامله سلف، راه حلی است که در سال ۱۳۷۱ توسط یکی از همکاران ارشد در بانک مرکزی به عنوان ساده‌ترین راه‌حل برای اجتناب از دو مشکل غیرواقعی بودن نرخهای سود (بهره) ریال و مسئله تحویل یک طرف معامله پیشنهاد گردیده است. فرض راه‌حل مزبور بر این است که با دریافت ریال از متقاضی معاملات سلف در ابتدای دوره اشکال فقهی (کالی به کالی بودن معامله) بر طرف خواهد شد. زیرا فرض نموده است که ریال مشتری بر او در بازار نقد تبدیل به ارز موردنظر شده و به عاملیت از طرف وی تا سررسید معامله سپرده‌گذاری می‌شود. پیشنهاد فوق دارای اشکالات مختلفی است:

اولاً: برای اجتناب از بکار بردن نرخهای سود (بهره) ریال، همانطور که گفته شد می‌توان حداقل در محاسبه برای تعیین قیمت سلف ارز از نرخ تورم ریال یا هر نرخ دیگری که نرخ واقعی سود (بهره) ریال می‌توان به حساب آورد استفاده نمود.

ثانیاً: ساختار پیشنهادی فوق‌الذکر مشمول تعریف معامله سلف با مفهوم رایج بین‌المللی آن نمی‌باشد. هرچند خواص ریسک‌گریزی را برای واردکننده می‌تواند به همراه بیاورد ولی نه تنها ریال در روز قرارداد دریافت می‌شود، بلکه در همان زمان تبدیل به ارز گشته و تا سررسید نگهداری می‌شود.

ثالثاً: در فرض پیشنهاد صرفاً خرید ریال و فروش ارز، به نظر می‌رسد، موردنظر بوده است. البته چنانچه راه حلی برای عدم تحویل یک طرف معامله به منظور تطبیق معامله سلف ارز با قواعد اسلامی یافت شود، پیشنهاد فوق را می‌توان به عنوان یک گزینه ممکن به صورتی بسیط تر و پالوده‌تر مبنای تأسیس بازار سلف ارز قرار داد. لکن بر اساس نظرات برخی فقها که ذیلاً ذکر خواهد شد، می‌توان بازار سلف ارز را به صورتی طراحی نمود که با عملکرد رایج بین‌المللی قابل تطبیق و قابل مقایسه‌تر باشد. لذا از بررسی جزئیات بیشتر مورد اول پرهیز می‌گردد.



### راه حل دوم - بر اساس نظر آیت ا... رضوانی - عضو محترم فقهای شورای نگهبان

آیت ا... رضوانی را می‌توان فقیه سیستم بانکی نیز نامید. در جریان اجرای بانکداری اسلامی، کلیه آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های عملیات بانکی بدون ربا قبل از تصویب توسط شورای پول و اعتبار، به تأیید ایشان رسید که بنا به صلاحدید رهبر انقلاب در این زمینه با سیستم بانکی همکاری می‌کنند. از این نظر در صورت هماهنگی نکته‌ای با نظر ایشان می‌توان قابلیت اجرای آن را تقریباً کاملاً ممکن دانست.

نظریات معظم‌له که از روی نوار پیاده شده است ضمیمه گزارش می‌باشد. نظرات ایشان در مورد معامله سلف ارز را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

- ۱ - معامله سلف ارز مجاز است (در صورتی که ثمن یا مثنم دو ارز باشند).
- ۲ - معامله سلف پول واحد (مثلاً ده تومانی با ده تومانی) مجاز نیست و ربا محسوب می‌شود. هر چند معامله نقدی اسکناسهای پول واحد مجاز است.
- ۳ - معامله سلف ارز لزوماً نباید متکی به معامله کالا و خدمات باشد.
- ۴ - دوره معامله می‌تواند هر سررسیدی داشته باشد ولی قابل تمدید نمی‌باشد.
- ۵ - اعمال نرخ بهره در تعیین قیمت سلف یا هر نوع محاسبه دیگری که مبنای تعیین قیمت باشد، بلا اشکال و مجاز می‌باشد.
- ۶ - فسخ معامله سلف و دریافت خسارت مجاز است.
- ۷ - معامله معکوس معامله جدید تلقی شده و مجاز است (از این خاصیت برای بستن وضعیت باز می‌توان استفاده نمود).
- ۸ - پرداخت یارانه (کمک زیان) توسط دولت یا بانک مرکزی برای حمایت از تأسیس بازار سلف ارز مجاز است.
- ۹ - قیمت سلف می‌تواند ارزانتر و یا گرانتر از نرخ نقد باشد (باتوجه به رواج در زمان معامله و انتظار نوسان قیمت‌ها در آینده).
- ۱۰ - معامله کالی با کالی یعنی معامله‌ای که نه ثمن آن نقد است و نه مثنم آن، باطل است.
- ۱۱ - در ضمن قرارداد معامله سلف ارز می‌توان ضمن عقد خارج لازم و برای پوشش ریسک اعتباری خریدار یا فروشنده، وثیقه دریافت نمود.

**راه حل:** همان‌طور که فوقاً اشاره شد، طبق نظر آیت ا... رضوانی باید از ثمن یا مثنم، یکی در زمان عقد قرارداد سلف ارز موجود بوده و تحویل و تحول گردد. در این رابطه ایشان ضمن احتراز از ورود در بحث اقتصادی، نظر نهایی دادند که این مشکل را هیچ چاره‌ای نیست و نمی‌توان در سررسید هر دو را مبادله نمود<sup>۱</sup> فارغ از مسئله ریسک اعتباری، تسویه و... ماهیت معاملات سلف

۱ - بعضی از اندیشمندان از جمله آیت ا... موسوی بجنوردی، عضو سابق شورای عالی قضایی و استاد دانشگاه و حوزه که

در شکل رایج آن در سطح بین‌المللی ایجاب می‌نماید که تسویه کلاً و تماماً در زمان سررسید انجام شود. گرچه دریافت حاشیه‌ای کوچکی از مبلغ معامله متناسب با درجه اعتبار طرف معامله توسط بانک معمول است. از طرف دیگر معاملات سلف داخلی را نیز باید در بازار داخلی یا بین‌المللی پوشش داد و در سطح گسترده لاجرم چاره‌ای جز پذیرش مقررات بین‌المللی در معاملات خارجی سلف وجود ندارد.

**راه حل:** بنظر می‌رسد، برای معاملات سلف ارز در داخل کشور به دو صورت می‌توان طراحی نمود:

۱- یک طرف معامله در زمان عقد قرارداد سلف تحویل گردد و محاسبات بر همین اساس اصلاح و روشها نیز به همین ترتیب طراحی گردند (در این صورت بایستی بهره یا سود پول تحویل شده نیز در قیمت سلف منظور گردد).

۲- ثمن یا مثن تحویل شده در زمان قرارداد سلف ارز، طی عقد خارج لازم، به عنوان وثیقه در اختیار بانک قرار گیرد. در این صورت کلیه محاسبات و سایر مراحل قرارداد سلف ارز همانند معاملات رایج سلف ارز در بازارهای بین‌المللی انجام می‌گیرد. بعلاوه از افزایش ریسک بانک در رابطه با اعتبار مشتری در طی دوره معامله تا سررسید نیز اجتناب بعمل می‌آید.

اشکالی که در مورد اخیر از نظر حسابداری در خصوص تحویل و تحول یک طرف معامله و به وثیقه گرفتن آن طی عقد خارج لازم پیش می‌آید، آن است که باعث تورم طرفین ترازنامه و بهم خوردن نسبتهای تناسب سرمایه (مصوب کمیته بال سوئیس) گردد. با توجه به جمیع جهات به نظر می‌رسد بتوان این مشکل را بنحوی برطرف نمود، گرچه هدف این نوشته حل مشکلات حسابداری و نسبتهای تناسب سرمایه نمی‌باشد.

۳- ارایه ضمانتنامه به جای ارایه عین ثمن نیز مطلب قابل بحثی در این زمینه می‌باشد.

**راه حل سوم - بر اساس نظر آیت‌ا... بجنوردی**

**عضو سابق شورای عالی قضایی و استاد دانشگاه و حوزه**

رئوس نظرات ایشان که در جامعه فقهی و اقتصادی نیز بحثهای زیادی را برانگیخته و با استقبال فراوان بانکداران و اقتصاددانان مواجه گردیده است، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- حقیقت و هویت اسکناس عبارت است از «قدرت خرید و قدرت و توانایی رفع احتیاجات»

نظرات ایشان در این‌گونه زمینه‌ها بحثهای زیادی را برانگیخته و از جمله قبض و اقباض را شرط لازم عقد می‌داند، نه شرط صحت و عقیده دارند هر وقت که قبض و اقباض انجام شود معامله صحیح است. ولی استفاده از این رهیافتهای جدید را می‌بایستی به زمانی موکول کرد که موضوع در حوزه‌های علمی مورد بحث قرار گرفته و نتیجه نهایی که مورد قبول جامعه مدرسین باشد، اعلام گردد.

بر حسب عقل که وجود اعتباری دارد، لذا صدق عین بر آن نمی‌شود تا مشمول تعریف قرض باشد. اسکناس توان خرید است و وقتی قرض داده می‌شود باید به همان مقدار در بازپرداخت مسترد شود، هر چند آن میزان قدرت خرید مبلغ بیشتری اسکناس در عینیت خارجی شود و مبلغ اضافی رباخواری محسوب نمی‌گردد. (نقل به مضمون از مصاحبه با آیت‌... موسوی بجنوردی - مجله رهنمون - شماره ۶ پاییز ۱۳۷۲).

۲- معاملات از مقوله مضامت، عقد در افق نفس با قصد موجود می‌شود. هویت عقد را قصد موجود می‌کند «العقود تابعه للقصد». پس هویت عقد به انشای موجب، موجود می‌شود. تمام هویت معاوضه را او در عالم انشاء موجود می‌کند. پس لفظ، کتابت، فعل، اشاره و... مبرز و مظهر آن امر درونی (قصد) کسی است که قصد و انشاء کرد و بعد از عقد پدید می‌آید، لذا دخالتی در موعود قرارداد ندارد.

۳- براساس آنچه گفته شد، چون تقابض بعد از عقد پدید می‌آید، شرط صحت عقد نیست، بلکه شرط لزوم عقد است. بدون قبض و تقابض عقد وجود دارد. اما جایز است (لازم نیست). یعنی می‌تواند فسخ شود. اما اگر در سررسید (هرزمان که باشد) قبض و اقباض شد، کار تمام می‌شود.

### توضیح و اشکال

توضیح: نظرات آیت‌... بجنوردی اصولاً اشکال مربوط به «کالی به کالی» بودن معامله سلف ارز، در صورت عدم تحویل یک طرف معامله (ثمن یا مثن) در زمان عقد قرارداد که نزد اکثریت فقهای شیعه وجود دارد راحل می‌کند و گام بزرگی برای تسهیل شرایط، جهت نوآوری، برای مهندسی مالی ابزارهای مالی مورد قبول از سوی اسلام است. ایشان اساساً معتقدند که چون معاملات را شرع مقدس اختراع نکرده، اسلام مورد قبول از سوی اسلام است. ایشان اساساً معتقدند که چون معاملات را شرع مقدس اختراع نکرده، اسلام معاملات موجود را امضاء کرده است. باید دید نیز عقلا و عرف اشکال مورد قبول معاملات چیست. از آنجا که خداوند خالق عقلاست، وقتی که عقلا یک روش را پسندیده، درست و نیکو دارند، اسلام نمی‌تواند آن را قبول نکند.

اشکال: با توضیحات فوق علیرغم اینکه با حل شدن مشکل لزوم مبادله یک طرف معامله (ثمن یا مثن) در زمان عقد قرارداد و پذیرش اینکه قبض و اقباض دوطرف می‌تواند در سررسیدی در آینده انجام شود، مانع بزرگی از پیش پای تأسیس بازارهای سلف (از جمله بازارهای سلف ارز) برداشته می‌شود. لکن با جایز شمردن قرارداد، در حالت عدم قبض یک طرف معامله، عملاً طرفین تعهدی نسبت به ایفای قرارداد ندارند. زیرا می‌تواند هر یک از آنها قبل از سررسیدن به صورت یک جانبه قرارداد را فسخ نماید. با این فرض عملاً بازار سلف رواج پیدا

نخواهد کرد. زیرا طرفی که فسخ قرارداد را به نفع خود بدانند، بالاترین قرارداد را فسخ نموده و از اجرای آن سر باز خواهد زد.

**راه حل:** طبیعتاً راه حل موضوع در جستجوی ابزاری برای متعهد کردن دو طرف به انجام تعهدات قرارداد خود در سر رسید می باشد. طبق نظر آیت‌ا... موسوی بجنوردی، در صورتی که در زمان انعقاد قرارداد با شرط اسقاط همه اختیارات (مشمول خیار فسخ ناشی از جایز بودن قرارداد) عقد جاری شود در حقیقت این مشکل حل خواهد شد. بعلاوه چنانچه موارد مذکور جزو شرایط و مقررات استاندارد معاملات درج گردد، آنگاه اقدام به معامله به معنای قبول لزوم آن است و نیاز به جاری شدن در لفظ ندارد و عقد لازم (لازم‌الاجرا) است. خیاری نیست. چه تقابض شود و چه نشود لازم است.

**توضیح:** نظرات فوق‌الذکر بر اساس اطلاعات موجود برای اولین بار اظهار می شود، می تواند منشاء تحولات عظیمی در تلقی جامعه تخصصی از دیدگاه‌های اسلامی در مورد معاملات و بازارها، خصوصاً بازارهای نوین مالی که از اجزای غیر قابل حذف کارایی اقتصاد، کاهش ریسک و توسعه پایدار محسوب می شوند، گردد. برای مستند نمودن نظرات ابزار شده متن مصاحبه انجام شده با آیت‌ا... موسوی بجنوردی در ضمیمه شماره ۲ عیناً پیوست می گردد.

### ۳- سایر موانع

هدف این مقاله به ترتیب تمرکز بر مشکلات شرعی و اقتصادی ایجاد بازارهای سلف ارز بوده است. لذا از تطویل بحث در این قسمت اجتناب ورزیده و با ذکر رؤس باقیمانده، این مقال را به پایان می‌رساند.

۳-۱- مشکلات مربوط به سازماندهی و مدیریت.

۳-۲- مشکلات نیروی انسانی و آموزش مورد نیاز.

۳-۳- مشکلات حرفه‌ای و تدارکاتی (از قبیل تدارک خطوط خزانه‌داری مورد نیاز در سطح

بین‌المللی).

**نتیجه‌گیری:** در حال حاضر لاقلاً برای ایجاد بازارهای سلف ارز بر اساس استانداردهای موجود بین‌المللی، با اتکا به نظرات فوق‌الذکر، به نظر می‌رسد مانع شرعی وجود نداشته باشد. لازم به ذکر است که تا قبل از این تحقیق کلیه صاحب‌نظران در مورد معامله سلف ریال و ارز، گمان می‌برند که رویه موجود بین‌المللی به شکلی که وجود دارد و عمل می‌شود، با نظرات فقهای شیعه قابل انطباق نیست. اما بر اساس نظرات آیت‌ا... رضوانی که بنا به گفته ایشان منعکس کننده مشهور نظرات مراجع و فقهای شیعه می‌باشد، بسیاری از مسایل (منجمله دخالت نرخهای بهره در محاسبه قیمت سلف ارز، معاملات سلف ارز بدون اتکا به معاملات کالا و خدمات واردات و صادرات

یا انجام معاملات سلف مالی و...) هم‌اکنون حل شده به نظر می‌رسد البته معظم‌له در مورد قبض و اقباض در مجلس، حداقل نسبت به یک طرف معامله (ثمن یا مثن) نظر قطعی اعلان نموده‌اند که برای آن راه حل باید اندیشیده شود ولی به هر صورت موانع مربوط به محیط اقتصادی، به عنوان اصلی‌ترین مشکل (پس از حل مشکلات شرعی) هنوز باقی مانده است که امید است اندیشمندان و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکترا با قبول تز در مورد جنبه‌های مختلف این مهم نسبت به ارائه راه‌حلهایی اقدام فرمایند تا از این رهگذر منافع ایجاد این چنین بازاری نصیب ایران عزیز گردد.

موضوع جلسه پرسش و پاسخ سلف ارز در مسجد حاج عزیزا... در روز سه شنبه ۱۳۷۵/۷/۱۷ در محضر جناب آیت‌ا... رضوانی عضو محترم فقهای شورای نگهبان و با حضور جناب آقای دکتر احمد عزیزی معاونت محترم ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آقای رضا نادعلی مدیر اداره تأمین اعتبارات ارزی.

س: آیا معاملات سلف صرفاً برای خرید و فروش کالا است یا می‌توان آن را به خرید و فروش ارز نیز تعمیم داد؟

ج: سلف ارز در صورتی که ثمن و مثنم دوتا باشد عیبی ندارد.

س: یعنی دو ارز مختلف؟

ج: بلی، مثلاً مارک به دلار، دلار به مارک و امثالهم.

س: ریال به دلار چطور؟

ج: بلی عیبی ندارد.

س: در کل اشکال نیست. حالا ما در تعیین قیمت سلف، آیا باید پشت این معامله سلف حتماً معامله کالا باشد یا نه خود ارزها هم با یکدیگر می‌توانند؟

ج: نه خود ارزها هم می‌توانند با هم معامله شوند.

س: یعنی حتی صادر کننده و وارد کننده نباشد و کسی به هر دلیلی نیاز به ارز داشته باشد و بخواهد...؟

ج: ارز را می‌خرد، سلف می‌خرد، بلی.

س: بسیار خوب، بعد دوره معامله اشکال ندارد مثلاً اگر یک ماه باشد، سه ماه باشد، یک سال باشد بیشتر یا کمتر؟

ج: اشکالی ندارد. فرق نمی‌کند.

س: حاج آقا، در به اصطلاح بازار بین‌المللی، وقتی که می‌خواهند نرخ سلف را تعیین کنند نرخ بهره دلار را می‌گیرند در مقابل نرخ بهره مارک قرار می‌دهند. اختلاف این دو نرخ را در محاسبات اعمال می‌کنند و نرخ سلف را استخراج می‌کنند. این اشکالی ندارد؟

ج: خیر اشکالی ندارد. بالاخره به یک قیمت معلوم طرفین معامله می‌شود.

س: پس محاسبه به هر ترتیب باشد اشکال ندارد، حالا چه بر اساس نرخ تورم یا نرخ بهره یا سود یا به هر محاسبه‌ای که...؟

ج: به هر محاسبه‌ای که کارشناس راه برای تعیین آن دارد. طرفین معامله می‌دانند که چه کار می‌کنند.

س: حاج آقا الان بحث به اصطلاح قبض و اقباض پیش می‌آید. در بازار بین‌المللی چنانچه طرفین به هم اعتماد داشته باشند قبض و اقباضی در کار نیست.

ج: معامله باطل است.

س: کاملاً باطل است.

ج: باطل است. بلی.

س: حالا، آنجا به اصطلاح به هم اعتماد نداشته باشند یک درصدی از ثمن را قبض می‌کنند.

ج: هر مقداری را که گرفتید، نسبت به آن معامله درست است. هر مقداری را که نگرفتید معامله باطل است.

س: بلی. ببخشید حاج آقا، آیا استدلال به اصطلاح اقتصادی یا عقلی پشت این هست یا نه؟

ج: ما کارشناس اقتصادی نیستیم. من شغلم این نیست. اینکاره نیستیم. من مسأله شرعی می‌گویم. یک قسم از معاملات در شرع هست که به آن کالی به کالی می‌گویند و باطل است.

س: این را ما هم خدمت شما تلمذ کرده‌ایم.

ج: کالی به کالی یعنی آن معامله‌ای که نه ثمن آن نقد است و نه مثن آن. اگر چنانچه یکی از این دو نقد باشد از کالی به کالی خارج می‌شود.

س: حاج آقا، ما این را با بصیرت خدمت شما سوال می‌کنیم. اینها را خدمت شما تلمذ کرده‌ایم.

حالا امروز نه، ولی اگر موقعی ما از نظر اقتصادی توانستیم این را خدمت شما توضیح بدهیم، جنبه‌های مختلف آن را، این امکان دارد، در یک حالتی؟

ج: خیر. عرض کنم که... من این مثال را برای شما می‌زنم. اگر در یک زمانی از لحاظ و جنبه اقتصادی فروش میته خیلی باب باشد، یعنی سود سرشاری را برای جامعه بیاورد، معذالک بیع میته جایز نخواهد بود.

س: بلی، بسیار خوب. آقای نادعلی شما سوالی در ذهنتان هست؟

- حاج آقا توضیح دادند. یکی اینکه اگر یک تجارت واقعی هم پشت این معامله نباشد، مسأله‌ای نیست.

ج: لازم نیست. نخیر.

س: سررسید این معامله می‌تواند بیش از یک سال باشد؟

ج: بلی. می‌شود.

س: ولی در مورد سیکل تولید معمولاً حداکثر یک سال مطرح می‌شود.

ج: بلی. مسأله‌ای نیست. منتهی دیگر تمدید شونده نیست.



س: حاج آقا، برگشت این معامله چطور؟ خود این معامله را فرض کنید من امروز انجام داده‌ام یک ماه دیگر می‌خواهم ببایم با شما تسویه کنم، فسخ کنم، با یک نرخ، مثلاً خسارتی بدهم که آن هم بر مبنای محاسبات خاص. آیا این ممکن است؟

ج: ممکن است. مساله‌ای نیست. او راضی به فسخ می‌شود در صورتی که این مقدار بگیرد، مساله‌ای نیست.

س: حالا از جهت اطلاع جنابعالی، در بازارهای بین‌المللی هم این تمديد که می‌شود، واقعاً تمديد نمی‌شود، یعنی این معامله واریز می‌شود و یک معامله دیگر انجام می‌شود.

ج: آن یک معامله جدید است. مساله‌ای نیست ولی تمديد این جایز نیست.

س: بلی. یعنی اگر شکل تمديد اینطور باشد که یک معامله دیگر انجام شود و معامله قبلی واریز شود...

ج: بلی. دو تا معامله است.

س: حالا حاج آقا ببینید این چیزی که عرض می‌کنم فی‌الواقع همینطور اتفاق می‌افتد چون وقتی که این واریز می‌شود و یک معامله جدید انجام می‌شود، در حسابهای بانک پول معامله نمی‌شود. یکی پولی را بانک سند می‌زند و به حساب شما می‌ریزد و یک پولی را هم از حساب شما بر می‌دارد. فی‌الواقع اگر شما اختلاف این دو تا پول در حسابتان باشد عمل شده است. خلاصه چیزی رد و بدل نشده است. این هم اشکال ندارد؟

ج: اشکالی ندارد. معامله اول را که فسخ می‌کند چیزی را طلبکار می‌شود. محاسبه می‌کند با آن بدهی که پیدا می‌کند. مساله‌ای نیست.

س: یعنی بدون آنکه وجهی مبادله شود؟

ج: بلی، می‌شود.

س: حاج آقا شخصی می‌گفت ربا در یک صورت درست است و در یک صورت جایز نیست. در آن صورت که شما به من ربا بدهید جایز نیست و حرام است. اما اگر برای بیت‌المال گرفتند...

ج: بیخود می‌گویند.

س: حالا اگر همین مطلب که آقا فرمودند، بر عکس آن باشد یعنی ما بدانیم که معاملات سلف را داریم تنظیم می‌کنیم و این معاملات سلف به نفع اتباع و اقتصاد است، احتمالاً در ابتدا باید دولت بیاورد و یک زبانی را بدهد یا مثلاً بانک مرکزی بیاورد و یک پولی را هم روی کار بگذارد.

ج: عیبی ندارد.

س: اگر در تک‌تک معاملات همه زیان باشد خوب مشخص است، ولی امکان دارد دولت سرجمع زیان بدهد، چند تا معامله را یک جایی از اتباع خود سود گرفته باشد...

- ج: چه سودی می‌گیرد؟
- س: یک جایی مثلاً نرخها دارد طوری عمل می‌کند که برای دولت به نفع بوده که این معامله سلف را انجام داده است ولی در سرجمع ما می‌دانیم به دلیل اینکه ریال در مقابل ارزهای دیگر در حال تضعیف است بالاخره دولت ضرر می‌کند که نرخ را از الان ثابت می‌کند.
- ج: عیبی ندارد. معامله بین دولت و آنها نیست. معامله‌ای که می‌شود بین طرفین است. دولت از خارج هدایت می‌کند.
- س: حالا اگر خود دولت طرف معامله باشد. یعنی ما بیاییم به جای اینکه دو نفر با همدیگر معامله بکنند، با بانک معامله بکنند و بانک هم از طرف دولت.
- ج: بانک اگر بانک مرکزی باشد یک چیز است و اگر بانک تجاری باشد...
- س: حالا اگر حاج‌آقا، بانک مرکزی باشد، اشکالی ندارد؟ چون بانک مرکزی بانکدار دولت است.
- ج: خیر چون خودش است و خودش. اصلاً آن حقیقتاً معامله نیست.
- س: نه، بانک مرکزی با اتباع دارد معامله می‌کند. فرض کنید ما به بانک ملی نمایندگی می‌دهیم تا با مردم معاملاتی را بکند و نتیجه معاملات را باید به ما بدهد. بانک ملی به نمایندگی از ما این کار را می‌کند.
- ج: یعنی پولش را دولت می‌دهد؟
- س: اختلاف حساب را دولت می‌دهد.
- ج: اختلاف حساب را نه. این معامله‌ای که بانک ملی می‌کند الان با منابع مردم می‌کند؟
- س: نه با منابع بانک مرکزی این کار را می‌کند.
- ج: با منابع بانک مرکزی از همان ۲۵ درصدی است که از مردم می‌گیرد و یا اینکه نه؟
- س: منابع بانک مرکزی متعدد است. هم پولهای دولت است و هم پولهای بانکها که سپرده قانونی گذاشته‌اند. ولی به هر صورت قانوناً بانک مرکزی بانکدار دولت است. منابع مخلوط است.
- ج: اگر از منابع بخش خصوصی بدهد عیبی ندارد. اگر هم از منابع خودش بدهد، اصلاً معامله نیست.
- س: بلی. بسیار خوب. حالا حاج‌آقا اگر ما فرض کنیم در معامله سلف که می‌خواهیم کالی به کالی نشود، در روز اول ما ریال را به طرف بدهیم نه به اصطلاح معامله کرده است. منتهی بیاییم و این ریال را در یک عقد وثیقه، چون به هر حال نمی‌دانیم طرف در سرسید دلارها را می‌آید که به ما بدهد یا خیر، همین ریال را از او پس می‌گیریم، بیشتر یا کمتر یا خود ریال. آیا این اشکالی دارد؟ که بگوییم وثیقه اینکه شما می‌خواهید در آینده دلار را به ما بدهید.
- ج: وثیقه گرفتن عیبی ندارد. اما خوب از او وثیقه بگیرید، چرا پول را می‌خواهید از او بگیرید؟
- س: وثیقه اگر داد وثیقه، اگر خود پول وثیقه بود، چون خود پول هم می‌تواند وثیقه باشد.

ج: پس چرا اصلاً چنین اقدامی کرده است؟ این اقدام را می‌کند که رد و بدل شدن پول در سررسید قرار بگیرد، این مساله فرار از... خلاصه مسأله صوری است. این صوری می‌شود. از او وثیقه بگیرید.

س: بلی. یعنی اگر وثیقه چیز دیگر غیر از پول هم مجاز باشد اشکال ندارد؟  
ج: عیبی ندارد.

س: حالا اگر در بین وثایق ما پول را هم قبول کنیم. آیا این اشکالی دارد؟

ج: این اشکال دارد. برای اینکه طرفی که به معامله سلف اقدام کرده یا شما که می‌خواهید چنین اقدامی کنید می‌خواهید بخرید پول را می‌دهید و جنس را می‌خرید، این ملک او می‌شود.

س: این یک مخاطره یا ریسک تجاری دارد که ما آقا را نمی‌شناسیم که آیا در سررسید پول را به بانک می‌آورد بدهد یا نه. تمام کارهای بانک که در آن از بانک منبعی جدا می‌شود همراه با وثیقه انجام می‌شود. یا اعتبار طرف را قبول دارند یا اعتبار طرف را قبول ندارند. اگر قبول داشته باشند وثیقه پایین تر می‌آید و اگر نه اصلاً قبول نداشته باشند بعضی وقتها حتی بیش از مبلغ معامله وثیقه می‌گیرند.

ج: درست است.

س: حالا چنانچه ما طرف معامله را قبول نداشته باشیم وثیقه مجاز باشد خود پول هم می‌تواند به عنوان وثیقه قرار بگیرد؟

ج: اگر به او بدهید و سپس از او بگیرید عیبی ندارد.

س: قبض و اقباض را هم شما خبر دارید که در بانک به معنای ریختن به حساب و برداشتن از حساب است. چون ما وقتی که مثلاً پولی را واریز می‌شود، چکی را کسی می‌آورد که پول را به دست او نمی‌دهیم، بلکه به حسابش می‌ریزیم. اگر این واریز به حساب بشود و از حساب برداشته شود اشکالی ندارد؟

ج: یعنی به رضایت او برداشته شود؟

س: بلی. یعنی طبق قرارداد. ما فرض را بر این می‌گذاریم که این مطالبی را که در عقود خدمت شما رسیدیم اینها همه آیین‌نامه شده، قرارداد شده، طرف امضاء می‌کند.

ج: می‌دانم.

س: حالا این که در اجرا آیا مثلاً بانک یا آن طرف درست عمل می‌کنند یا نه بحث دیگری است.

ج: ولی باید اینجوری باشد. نه اینکه بریزید و بردارید. بریزید به حدی که این اخذ او شود. یعنی مالک است و اخذ هم دارد. می‌خواهد بدهد می‌خواهد ندهد. وثیقه می‌خواهد از جای دیگر بدهد.

س: حالا اگر این قرارداد وثیقه، چون ما در قراردادهایمان به راهنمایی شما، یک جاهایی می‌نویسیم ضمن عقد خارج لازم مثلاً اینطور وثیقه گرفتیم. عقد، عقد جعاله است و از این طرف یک وثیقه می‌گیریم. هر دو اینها در یک قرارداد است و طرف هم امضا کرده که این را به حساب من می‌ریزد و بعد اختیار دارید بردارید. این اشکالی ندارد؟

ج: که چه؟

س: اگر در قرارداد بگویید که برداشتنش به اختیار او باشد. در قراردادی ما داریم با تو سلف معامله می‌کنیم و این را به حسابت واریز می‌کنیم. در همان قرارداد می‌گوییم مثلاً یک عقد خارج لازم داریم که این وثیقه را باید به ما بدهی و تو به ما اجازه برداشت به اندازه وثیقه می‌دهی.

ج: عیبی ندارد.

س: آقای نادعلی، شما...

- عکس کردن معامله، یک سلف انجام بدهند و عکس آن را قبل از سررسید مشتری انجام بدهد؟

ج: این فسخ می‌شود.

س: یعنی معامله دیگر است. اشکال ندارد.

ج: اصلاً فسخ می‌شود.

س: یعنی هم می‌شود این معامله را فسخ کرد و هم می‌شود یک معامله معکوس انجام داد. یعنی این دفعه من دلار را به ایشان ۱۲ ماهه فروخته‌ام و یک ماه بعد دلار را از او یازده ماهه می‌خرم.

ج: آن نمی‌شود. باید وقتش برسد تا بتوان خرید. آن تا وقتش نرسد نمی‌توان از او خرید.

س: حالا اگر ما این را یک معامله مستقل فرض کنیم که ما یک معامله سلف دوازده ماهه با او کرده‌ایم، یک معامله سلف دیگر یک ماه بعد ۱۱ ماه بطور معکوس با او انجام می‌دهیم. این بار دلار را از او می‌خریم...

ج: یعنی این را جای آن می‌زنیم؟

س: ببینید وقتی سررسیدها مشابه باشد، جایش هم نزنیم، ثبتها که در حساب عمل می‌شود لازم نیست که دیگر پولی بین بانک و مشتری رد و بدل شود، فقط تفاوتها باید به حساب ریخته شود.

ج: عیبی ندارد. اما اگر بخواهید همین را که مالک شده‌اید به او بدهید تا سررسیدش نشود، نمی‌شود.

س: یعنی بالاخره این معامله باید مستقل باقی بماند، مگر اینکه معامله فسخ شود.

- ج: بلی.
- س: حالا اگر معامله فسخ شود؟
- ج: باید یک معامله دیگر بکنیم.
- س: حالا حاج آقا اگر معامله فسخ شد، کل معامله از ابتدا فسخ می‌شود یا نسبت به این یک ماه بانک می‌تواند مثلاً فرض کنید اگر پولی را در اختیار او گذاشته و او هم دلار به ما نداده، ریال را گفته، نسبت به این یک ماه خسارت می‌توانیم بگیریم؟
- ج: نه، نمی‌شود.
- س: یعنی عین پول دوباره باید برگشت داده شود؟
- ج: یک معامله کرده باید فسخ شود. چه خسارتی؟ نسبت به مدت هم که شما چیزی نگرفته‌اید.
- س: فرض کنیم که کسی رفته و سلف سیب خریده است و حالا معامله سلف ۶ ماهه بوده است. سر سه ماه می‌خواهند معامله را فسخ کنند. در فسخ آن عیناً باید طرف پولی را که گفته بدهد و برود؟
- ج: او می‌تواند بگوید که من فسخ نمی‌کنم مگر آن که پولی بگیرم.
- س: این را می‌تواند بگوید.
- ج: بلی، این را می‌تواند بگوید.
- س: این را اگر از اول در قرارداد شرط کرد، چطور؟
- ج: نه دیگر آن وقت نمی‌تواند بگوید.
- س: نمی‌تواند بگوید؟
- ج: نه دیگر نمی‌تواند. از اول حق فسخ گذاشتید دیگر نمی‌تواند.
- س: حالا اگر از اول حق فسخ را با این شرط گذاشتیم که تو اگر آمدی فسخ کنی باید این خسارت را بدهی؟
- ج: عیبی ندارد.
- س: اشکالی ندارد. یعنی هم شرط فسخ بدون خسارت و هم شرط فسخ با خسارت می‌توان گذارد.
- آقای نادعلی، شما.
- ج: نگذارند هم می‌تواند وقتی که می‌خواهد فسخ کند چیزی خسارت بگیرد.
- س: نرخهای متفاوت برای سررسیدهای متفاوت مساله‌ای نیست؟
- ج: مساله‌ای نیست. بالاخره وقتی معامله روی یک جهتش متمرکز می‌شود عیبی ندارد. اینکه می‌گویید یک ماهه اینقدر، دو ماه اینقدر، یک ساله اینقدر، ده ساله اینقدر، بالاخره معامله یا روی ده سال واقع می‌شود یا... هر کدام که واقع شود عیبی ندارد.
- س: آقای نادعلی شما سوال دیگری ندارید؟

- مساله ديگر مساله نرخ سود و نرخ تورم است.
- بلي ايشان كه فرمودند شما با هر نرخی كه محاسبه كنيد، در محاسبه هستيد. می آيد و قيمت اعلام می كنيد.
- بحث اينكه بانكها سود بدهند به ميزان نرخ تورم.
- آن ديگر بحث سلف نيست. مساله نرخ تورم را نمی دانم حاج آقا شما نظر خاصی داريد؟
- ج: آن چيز ديگری است. من جواب آقای بجنوردی را در سمینار بانكداري عرض كردم. شما نبوديد؟
- س: من در سفر خارج بودم.
- ج: اين مطلبی بود كه آقای بجنوردی آنجا عنوان كرد و روی آن صحبت كرد. من وقتی آنجا رفتم، گفتم حالا من كار ندارم به اينكه اين مطلب ايشان صحيح است يا صحيح نيست. وليكن بانك يك مرجعی برای عموم مردم است، با اختلاف مصالحی كه در فقه دارند، در تقليد دارند. نياستی كه مسایل فقهی را روی نظر يك شخص خاص مبتنی كنيم كه آن وقت ديگر مقلدين بقيه مراجع لنگ بمانند و نتوانند کاری بكنند. پس بهتر اين است كه بايستی كه روی نظريه، همه مراجع نظر بدهند. مثلاً در مورد عقود هم همينطور بود. لطفش در اين بود كه همه آن را قبول داشتند.
- س: حاج آقا، خوب اگر اين مطالب بيايد و شورای نگهبان هم تأييد بكنند، آن وقت ديگر مشكل نيست؟ چون بالاخره امكان دارد يك مجتهدی در جایی پيدا شود كه نظری را قبول نداشته باشد ولی فرض بر اين است كه شورای نگهبان ديگر دارد نظر نزديك به اجماع را می دهد.
- ج: عرض كردم كه اگر چنانچه آنهايي كه با بانك معامله می كنند كه هستند و لطمه‌ای به جایی نمی زنند خوب مساله‌ای نيست، آنها نيابند با بانك كار كنند- اما اگر نه مساله و اختلاف جوری است كه يك عده‌ای را از بانك جدا می كند.
- س: شورای نگهبان در تأييد يارد اين مطلب، اين موضوع را در نظر می گيرد؟
- ج: بلي.
- س: اينجا من فكر می كنم راهش همين تصويب شورای نگهبان باشد.
- شما چيز ديگری نداريد؟
- اگر اين را فقط برای ارزشهای خاص و برای زمانهای مشخص انجام دهيم باز هم مشكلي نيست؟
- ج: خير، منتهی بايد ثمن و مضمن دو چيز باشد.
- س: حالا اين دو چيز هم می تواند ارزشهای خارجي باشد و هم می تواند ريال و ارزشهای خارجي باشد؟

- ج: بله.
- س: حاج آقا، اما اگر چیزی را در این زمینه تدوین کردیم، می‌توانیم آن را بفرستیم و شما محبت کنید و کتبی هم برای ما اظهار نظر کنید؟
- ج: مساله‌ای نیست.
- س: مزاحم شما خواهیم بود.
- شما دیگر سوالی ندارید؟
- اینکه دیگر نرخ سلف کمتر از نرخ نقدی باشد یا بیشتر. آیا آن هم باز مهم نیست؟
- ج: خیر. نسیه و نقد تفاوت دارد.
- س: کدام بیشتر و کدام کمتر مهم نیست؟
- ج: خیر.
- س: امکان دارد یک موقع نرخ سلف کمتر باشد.
- ج: باشد عیبی ندارد. در موقع رواجش و ازدیاد آن. بله می‌شود.
- س: من اینگونه تلقی می‌کنم مثلاً الان سیب کم است و گران. ولی همه فکر می‌کنند که سیب شش ماه دیگر خیلی زیاد خواهد شد، خوب سلف آن ارزانتر خواهد بود. یا نه برعکس آن اگر سیب شش ماه دیگر می‌خواهد خیلی کم بشود از الان سلف آن گرانتر خواهد بود.
- ج: بله.
- س: خیلی ممنون. حاج آقا. زحمت دادیم.
- و اما نکته کوچکی در مطالبتان متوجه شدم و آن این بود که هیچ ارزی با خودش نمی‌تواند معامله بشود.
- ج: می‌شود.
- س: یعنی ریال با ریال؟
- ج: می‌شود منتهی نقد. اگر مدت در آن نباشد می‌شود. اما اگر مدت در آن باشد و سلف باشد نمی‌شود.
- س: خوب ریال چگونه می‌تواند نقد با خودش معامله شود؟
- ج: مثلاً صد تومان را می‌برید خرد کنید و طرف می‌گوید من فقط ۹۰ تومان می‌دهم. این یک معامله است که دارد انجام می‌دهد. عیبی ندارد.
- س: پس اگر مثلاً دو ریالی را گرانتر می‌خریم اشکالی ندارد؟
- ج: خیر عیبی ندارد.
- س: بلی، این هم نکته‌ای جدید بود. خدمت حاج آقا می‌آییم که دانشمان اضافه شود. بله، یعنی پول مطلوب و پول غیرمطلوب؟



ج: بله.

س: خیلی ممنون حاج آقا.

ج: خواهش می‌کنم.

س: آقای نادعلی، شما، هیچ چیز را از قلم نینداخته‌اید. مطمئن هستید؟

ج: خیلی خوب. حالا اگر مطلبی بود، حاج آقا ما بعد باز مزاحم خواهیم شد.

متشکرم از لطف شما

موضوع جلسه پرسش و پاسخ سلف ارز در روز شنبه ۱۳۷۵/۷/۲۱ در منزل و محضر جناب آیت‌ا...  
موسوی بجنوردی و با حضور جناب آقای دکتر احمد عزیزی معاونت محترم ارزی بانک مرکزی  
جمهوری اسلامی ایران و آقای رضانادعلی مدیر اداره تامین اعتبارات ارزی

س: اگر امروز ذمه به یک میلیون دلار قدرت خرید مشغول شد، آیا ما باید معادل این قدرت یک  
میلیون دلار را در شش ماه دیگر واگذار کنیم؟

ج: بلی، اگر کاهش قدرت پیدا کرد، به من صبر نمی‌رسد.

س: این، یک مقدار در فرم اولیه کل مبنای مشکل را حل می‌کند اما در دنیا اینطور نیست که یک  
شاخص برای قدرت خرید وجود داشته باشد که همه روی آن اتفاق نظر داشته باشند و در  
نتیجه بیایند و روی قدرت خرید معامله کنند.

ج: شاخص را که علمای اقتصاد روی سبد می‌برند، مگر نه؟ ملاک سبد است.

س: حداقل در رواج عمل اقتصادی، در معاملات، نمی‌آیند آن شاخص را بگیرند. حالا من شاید  
سوالی در ذهن شما ایجاد کنم. اگر ما بیاییم و مطلب را ساده کنیم و بگوییم که همان سبد  
اقتصادی که نرخ تورم روی آن محاسبه می‌شود، شاخص قدرت خرید باشد امر درستی  
است، حرف درستی است.

ج: حالا مگر بانک مرکزی روی این مسئله نیست؟

س: ما همین کار را می‌کنیم. تمام دنیا نیز همین کار را می‌کنند. منتهی شاخصها، شاخصهای  
متفاوتی هستند. اینکه روی خود شاخص باید بحث کنیم جنابعالی باید آماده باشید که بعداً  
مزاحمتهایی برایتان درست خواهیم کرد که شاخص چیست. کدام شاخص برای چه کاری؟  
چون ما یک شاخص عمومی داریم، یک شاخص برای صنایع خاص می‌توانیم داشته باشیم.  
مخصوصاً در دنیا که در این زمینه‌ها پیشرفته‌تر هستند، تعداد شاخصها خیلی زیاد است.  
بحث این است که بازارهای پولی، امروز که می‌خواهیم دلار را در مقابل مارک معامله کنیم،  
در رابطه با شاخص معامله نمی‌کنند. نرخ بهره را می‌گیرند. نرخ بهره یک تفاوتی با شاخص  
دارد. معمولاً اگر مثلاً تورم دلار ۴ درصد باشد که این شاخص قدرت خرید آن است، با توجه  
به سیاستهای پولی، بعضی وقتها می‌گویند ۴/۵ درصد به شما بهره می‌دهیم بعضی وقتها هم  
می‌گویند ۵/۵ یا ۶ درصد. یک فاصله یک یا دو درصد بین نرخ تورم و نرخ بهره هست. بستگی  
به این دارد که بخواهند مردم را به پس‌انداز تشویق کنند یا خیر. وقتی که دولت نرخ خود را

اعلام می‌کنند مثلاً در امریکا وقتی که بانک مرکزی نرخ خود را اعلام می‌کند، همه بر اساس نرخ بانک مرکزی، نرخهای خود را تنظیم می‌کنند. بانک مرکزی در حقیقت یک مرجع نهایی است که هیچ‌گاه سپرده نمی‌گیرد، وام هم نمی‌دهد، منتهی آنقدر قوی است که وقتی نرخ را اعلام می‌کند به منزله این است که هر کس به او سپرده بدهد، می‌گیرد و بهره را می‌دهد و یا می‌گذارد و بهره را دریافت می‌کند. این نرخ برای کل جامعه شاخص می‌شود. بر اساس نرخ بهره، کسی که می‌خواهد مخاطره و ریسک یک ارز را در مقابل ارز دیگر برای خود پوشش دهد، یک قرارداد سلف می‌بندد. جان کلام اینجاست که خریدار و فروشنده کاری به این ندارند که قدرت خرید چه خواهد شد. آنها روی قیمت جنس با یکدیگر مذاکره می‌کنند. عقدی می‌بندند و قراردادی می‌بندند و نهایی می‌کنند. اگر خریدار و فروشنده، خودشان قدرت تحمل زیان یا نوسان ارز را داشتند که آن را نگه می‌دارند. یا سود می‌کنند یا زیان، چون امروز قیمت را نهایی کرده‌اند. ولی اگر امروز کسی ببیند که نه، من صادر کننده که دارم پسته را صادر می‌کنم، اگر گفتم ۲۰۰۰ دلار در هر تن، این را دلاری ۳۰۰ تومان حساب کرده‌ام. می‌ترسم قیمت به ۲۸۰ تومان افت کند. به تاریخ شش ماه دیگر یک قرارداد سلف می‌بندم که از الان دلار را می‌فروشم. چون امروز دلار ۳۰۰ تومان است، من با یک تفاوت، که حالا محاسبه آن را خدمتان عرض می‌کنم، دلار شش ماه دیگر خود را امروز می‌فروشم. در حقیقت به بانک می‌گویم من شش ماه دیگر به شما دلار خواهم داد و بانک هم به من معادل ریالی آن را که امروز تثبیت می‌شود خواهد داد. دیگر کاری نداریم که نرخ واقعی شش ماه دیگر دلار چه می‌شود.

ج: بلی. چون الان داریم می‌فروشیم.

س: در حقیقت پسته را فروخته‌ایم، دلارش را معین کرده‌ایم و برای آنکه ریالش را هم مشخص کنیم تا بتوانیم تعهدات خود را تسویه کرده، سود و زیان را هم مشخص کنیم و اگر مثلاً قرار است زیان کنیم اصلاً معامله فروش پسته را انجام ندهیم می‌رویم و ارزش را هم از همین امروز می‌فروشیم. بانک می‌آید این ارز را می‌خرد. ما امروز متأسفانه در مملکتمان، این تسهیلات را در اختیار صادر کننده و وارد کننده نمی‌گذاریم که معلوم باشد نرخ آتیشان چیست. اگر هم نرخ تغییر کند می‌گوییم همه تفاوت نرخ را باید شما بدهید. همینطور که در این تغییرات اخیر نرخها یک مصیبت بزرگ روی تفاوت نرخ ارز پیش آمد که یک مقدار زیادی از آن را شاید ۹۰ درصد را دولت پذیرفته و در آن ده درصدی که می‌خواهیم به مردم منتقل کنیم خیلی مصیبت داریم. حالا بحث این است حاج آقا که ما آن معامله صادرات و واردات را از جهت اینکه چرا به این عمل نیاوریم هست گفتیم. اما امکان دارد که یک راه آن یک جا هم این باشد که ما روی همان قدرت خریدکار کنیم. حداقل در الگوهای بین‌المللی که ما

این الگو را نمی‌توانیم تحمیل کنیم، یعنی در مورد ارز در مقابل ارز که خودمان در بانک مرکزی دلار را مثلاً در مقابل مارک سلف می‌کنیم، اگر ما بخواهیم برای این مساله جهات شرعی را روشن کنیم دیگر معاملات ارز در مقابل یکدیگر مستقل از معاملات کالا هستند. یک کالایی جایی بوده معامله شده، حالا قیمت اوست که می‌خواهد در مقابل همدیگر قرار بگیرد. مبحث این است که حاج‌آقا اصلاً

۱ - خرید و فروش ارز خارجی مجاز است مثلاً دلار در مقابل ریال، ریال در مقابل در هم و... که ظاهراً این مجاز است.

ج: انشاء...

س: حالا این معامله نقدی است آیا ما می‌توانیم به صورت نسیه اینها را در مقابل همدیگر معامله کنیم، یعنی آنها را به وعده معامله کنیم.

ج: بلی. مثل این می‌ماند که من امروز به شما یک میلیون دلار می‌فروشم که شش ماه دیگر تحویل‌تان بدهم. اما معامله نقدی با هم می‌کنیم یعنی بیع می‌کنیم. یا مثل این می‌ماند که من الان صد خروار گندم به شما بفروشم که شش ماه دیگر تحویل‌تان بدهم.

س: خوب حاج‌آقا، پس معاملات سلف ارز هم مجاز. بحث این است که در معاملات سلف کالا، معمولاً ما اینطور که از محضر شما بزرگواران یاد گرفته‌ایم اگر ثمن یا مثن یکیش آماده نباشد و قبض و اقباض نشود معامله را کالی به کالی می‌گویند.

ج: می‌گویند تقاض در مجلس، شرط است. البته بعضی‌ها می‌گویند شرط صحت است.

س: فقه شیعه این را می‌گوید ظاهراً فقه اهل تسنن...

ج: البته من قبول ندارم. من تقاض را در مجلس شرط نمی‌دانم. آن شرط لزوم عقد است.

می‌گویند در بیع سلف و سلم تقاض در مجلس شرط عقد است یعنی اگر تقاض نشود، عقد درست نیست. من اعتقاد این است که این امر غیر معقولی است و غیر عقلایی هم هست چون معاملات را شرع مقدس ما اختراع نکرده، یک چیز تازه در جامعه بیاورد. همان معاملاتی بوده که در جاهلیت و در ادیان گذشته هم بوده، اسلام همانها را امضا کرده است. می‌گوید «احل... البیع و حرم الربا»، «الصلح خیر»، ... تمام این معاملات را که شما می‌بینید هیچکدام از آنها را اسلام مؤسس نیست، همه اینها را اسلام امضاء کرده است ما باید ببینیم در پیش عقلا و عرف این بیعها چه شکلی است. اجاره چه شکلی است، نباید از جیب خودمان در بیاوریم. آن را که عقد اجاره می‌گویند همان اجاره است. آن را که عقلاً بیع می‌گویند همان بیع است. اسلام همان بیع را به همان مفهوم آمده و امضا کرده است. در نزد عرف و عقلا امروز تقاض در مجلس شرط صحت نیست، نه. همین که انشا کردند بیع را موجود کردند، قرارداد را بستند، پیمان را بستند، بیع موجود می‌شود. شما می‌توانید بگویید

اگر تقابض نشود بیع لازم نیست، جایز است. یعنی می‌توانند قرارداد را فسخ کنند. تقابض که شد، شرط لزوم عقد می‌شود و شخص نمی‌تواند معامله را فسخ کند.

س: خیلی خوب حاج آقا. پس تفاوتش در بیع جایز و لازم است.

ج: بلی. این عقیده من است. می‌خواستم بدانم آیا مطلب را گرفتید یا خیر، که چرا تقابض در مجلس غیر معقول است. بد نیست من این را توضیح بدهم. من اول مبنای امام راحل را می‌گویم که در درس می‌گفت. بعد هم حرف خودم را عرض خواهم کرد. امام عقیده‌شان این بود که هویت هر عقد را موجب موجود می‌کند. این که حالا معروف شده عقد مرکب از ایجاب و قبول است، یک طرف آن ایجاب و یک طرف آن قبول است، امام این را قبول نداشت. ایشان می‌گفت در بیع، در هر معاوضه‌ای آن که انشا می‌کند تمام هویت معاوضه را او در عالم انشا موجود می‌کند. قابل وقتی که می‌گوید قبول کردم مثل این است که بگوید دستتان درد نکند نه اینکه یک رکن عقد در او موجود می‌شود. تمام هویت عقد را من موجب، من که دارم انشا می‌کنم موجود می‌کنم. تعریف بیع این است: «تملیک العین بازاء المعلوم» من چیزی را در مقابل چیزی که معلوم است به شما تملیک می‌کنم. حالا موجب در اینجا چه کار می‌کند. اگر این معنی را تحلیل کنیم دو خلع است و دو اضافه. رابطه مالکی خودم را من بایع، من موجب با این مثنی خلع می‌کنم، این را به شما مشتری اضافه مالکی می‌دهم. می‌بینیم کارم به اینجا تمام نمی‌شود. این هبه می‌شود. یک کار دیگر هم می‌کنم. رابطه مالکی مشتری را با ثمن خلع می‌کند و این را به خود اضافه می‌دهد. پس هر بیع و هر معاوضه‌ای دارای دو خلع است و دو اضافه. همه این کارها را بایع می‌کند. همه این کارها را موجب می‌کند. آن که انشا می‌کند. حالا قابل چه می‌گوید. او می‌گوید آن کارهایی که تو کردی، قبول دارم. پس هویت عقد به انشا موجب موجود می‌شود. تمام هویت عقد هم همین است. بیع هم همین است. تقابض در مجلس مراحل بعدی است یعنی بعد از آن که هویت بیع موجود شد، عقد موجود شد، پیمان موجود شد، تقابض را می‌کنیم. آیا این معقول هست، چیزی که بعد از وجود هویت عقد پدید می‌آید دخالتی در ماهیت آن داشته باشد. لذا من اعتقادم بر این است که تقابض در مجلس شرط صحت عقد نیست بلکه شرط لزوم عقد است.

س: بله حاج آقا. به جای خوبی رسیدم. پس اینطور که جنابعالی می‌فرمایید اگر من یک معامله سلف ارزش کردم و قبض و تقابض، هر دو را در سر رسید انجام دادم، اشکال ندارد.

ج: شما عقد را الان موجود کرده‌اید. بیعی است که حقیقتاً واقع شده است. اما جایز است یعنی می‌توانید آن را به هم بزنید و فسخ کنید. اما در سر رسید وقتی داد و ستد شد، قبض و اقباض شد، خلاص می‌شود.

س: حاج آقا مطلب را گرفتم. اتفاقاً این اولین بار است که این را می‌شنویم.

ج: یعنی از فقهای شیعه کسی این را نگفته است که قبض و اقباض شرط لزوم عقد است و همه می‌گویند شرط صحت است؟

س: بلی. البته فقه اهل تسنن آن را شرط لزوم می‌دانند.

ج: بلی. اما من می‌خواهم با این برهان که هویت بیع دو خلع و دو اضافه است آن را تأیید کنم. بد نیست یک چیز دیگر را نیز خدمتان بگویم. اصولاً هر عقدی از مقوله معنی است. متأسفانه در ذهن ما، حتی در ذهن حقوقدانان ما این رفته است که خیال می‌کنند که انسان عقد را با لفظ موجود می‌کند. ابتدای عقد در افق نفس با قصد موجود می‌شود. این که من گفتم دو خلع و دو اضافه، فکر نکنید که یک ماه رمضان طول خواهد کشید، بلکه یک لحظه است قصد می‌کنید و این داد و ستد خارجی مبرز آن است. من می‌خواهم بگویم لفظ، کتابت، فعل، اشاره، تمام اینها مبرز و مظهر آن امر درونی آن کسی است که قصد و انشا کرده اینک اینها عقد هستند معقول نیست که اینها داخل خود عقد باشد. این مظهر عقد است.

س: می‌فرمایید از مقوله نیت است که جاری می‌شود.

ج: بله، از مقوله معناست. لذا می‌گوید: «العقود تابعه للقصد». هویت عقد را قصد موجود می‌کند. خود انشا یعنی چه؟ خود انشا با قصد است. یعنی شما تا قصد نکنید این رابطه مالکی خودتان با مضمن خلع نشود، جدا نمی‌شود.

س: خوب، حاج‌آقا، برای ما کامل مشخص شد. یک مشکل جدید درست شد. در دنیا عقودی که این گونه واقع می‌شود عقود لازم هستند. درست است که قبض و اقباضی صورت نگرفته، همه اینها در سر رسید انجام می‌شود، خوبست که خدمت شما بگوئیم که در سر رسید هم چون تعداد معاملات پیچیده می‌شود اگر یک معامله باشد همه چیز ساده است، ولی وقتی معاملات پیچیده می‌شود اصلاً قبض و اقباضی به آن معنای واقعی خود صورت نمی‌گیرد.

ج: قبض هر چیزی بر حسب خودش است. اینطور در ذهنتان نباید که دست او بدهم، دست مرا بگیرد. ممکن است همین که شما اعتبارش را به او بدهید، این قبض است مثل قضیه کالایی می‌ماند که الان کشتی‌های ما وقتی می‌روند حمل می‌کنند، مثلاً من کالایی از ژاپن می‌خرم، آن را سوار کشتی می‌کنند باید بیاید توی بندر فلان، من قبض بکنم. حالا اگر در بین راه تلف شد، با این قاعده‌ای که من می‌گویم و توی قانون مدنی هست، اگر قبل از اینکه بنده، من مشتری، مال را قبض کنم، مال تلف بشود این را فروشنده باید بدهد. من اعتقاد این است که اینجا که همان نماینده من در هنگام بارگیری در کشتی تحویل گرفت، آن قبض من می‌شود. قبض هر چیزی بر حسب خودش است، این بدان معنا نیست که قبض را بنده در بندرم انجام دهم. نه، مگر آن که این یک شرط خارجی بشود، آن بحث دیگری است.

س: من از جهت به اصطلاح تقویت نظر جنابعالی بگویم که میلیونها معامله نقد و سلف ارز دارد



- در دنیا انجام می‌شود و بعضی وقتها قبض و اقباض اینها در حساب انجام می‌شود.
- ج: اصلاً این بهترین قبض است.
- س: بانک یک چیزی را بدهکار و یک چیزی را بستانکار می‌نویسد. حالا اگر اینها ده تا باشند در مقابل همدیگر شاید اصلاً همدیگر را صفر کنند. نه چیزی گیر من بیاید و نه چیزی از من برداشت شود.
- ج: همه اینها قبض و اقباض است.
- س: حالا حاج‌آقا، مشکل این است که در بازار بین‌المللی، آن شیوه انجام معاملات، به اصطلاح همه لازم است. یعنی شما وقتی که این را توافق کردید دیگر نمی‌توانید بگویید جایز است.
- ج: این شرط سقوط خیار است.
- س: پس ما می‌توانیم؟
- ج: بله، شرط ضمنی.
- س: یعنی شرط ضمن عقد است؟
- ج: بله، من و شما معامله‌ای را انجام می‌دهیم. یکی از ما خیار مجلس داریم. خیار تخلف شرط داریم. اما از روز اول آمدیم با هم شرط کردیم با اسقاط همه اختیارات. یک وقت است که این را در لفظ می‌گوییم. یک وقت دیگر نه ضمناً ده دیگر این قانون می‌شود. من که به این معامله اقدام می‌کنم، با مقرراتش اقدام می‌کنم. مقرراتش یعنی چه؟ یعنی اینکه عقد لازم است، خیاری نیست. معنایش این است که چه تقابض بشود و چه نشود لازم است. چرا؟ چون خود ما بر اسقاط اختیارات تبانی کردیم.
- س: خوب، پس این کار را خیلی راحت می‌کند. بعد حاج‌آقا، در تعیین قیمت سلف و تعیین قیمت نسیه، می‌دانیم که می‌توانیم بر هر مبنایی محاسبانی بکنیم و قیمت نقد و نسیه را متفاوت اعلام بکنیم.
- ج: مسلماً. نسیه ارزانتر است.
- س: ارزانتر است یا مثلاً یک جایی گرانتر است. در مورد ارز متاسفانه اینطور است که همیشه نسیه‌اش ارزانتر نیست.
- ج: بلی. آن تابع نوساناتش است.
- س: اگر انتظارات آتی بازار این باشد که ارز در آینده بر حسب یک مبانی مشخص گرانتر می‌شود، می‌تواند...
- ج: خودش قیمتش را بالا می‌برد. به رجا اینکه ارزشش بالا برود، اعتبار... ببینید اینها همه‌اش عقلایی است. بخش معاملات اسلام همه‌اش عقلایی است. یعنی ما هیچ چیز تعبدی نداریم. این اشتباه است اگر ما بیایم در معاملات، عقود، ایقاعات، معاوضات، در همه اینها... اسلام



دنباله رو عقلاست. من دنباله رو که می‌گویم این کلمه ضیق عبارت است. این بدان جهت است که خود او خالق عقلاست. وقتی که عقلا یک روش پسندیده، درست و نیکو دارند، اسلام نمی‌تواند آن را قبول نکند.

س: پس حاج آقا ما می‌توانیم بگوییم که ربا را عقلا در صدر اسلام قبول نداشتند.  
ج: مسلم است. ربا بدترین نوع استثمار است. عقل صحیح می‌گوید استثمار نباید باشد. در هر کجا امروز اگر کسی بیاید و کس دیگری را استثمار کند، این نباید باشد. سر این که اسلام آمده و می‌گوید: «احل... البیع و حرم الربا» این است که این یک امر ناپسند است یعنی جامعه عقلا آن را قبول ندارد. شما اگر حتی با آن رباگیر مطرح کنید می‌گوید نباید این کار را کرد. اسلام هیچ‌وقت مطلبی را به ما تحمیل نمی‌کند. اینطور نیست که ربا عقلایی است و اسلام آمده و در مقابل عقلا چیز تازه‌ای آورده است. می‌گوید ربا نباید باشد. عقلا هم می‌گویند ربا نباید باشد.

س: پس، در شرایط جامعه صدر اسلام آیا می‌توانیم بگوییم که در آنجا مثلاً تورم وجود نداشته است؟

ج: بله، اصلاً ببینید این معانی نبوده است. معاملات همه کالا به کالا بوده است، پایاپای بوده است. کالا می‌دادند، کالا می‌گرفتند. اصلاً تورم به آن معنا یعنی عرضه کمتر از تقاضا بشود، سستی سیاسی خود مملکت، کمبود ذخیره ارزی و... این معانی اصلاً مطرح نبوده است که ما بگوییم مسئله نرخ تورم پیدا شود. بسته بود به این که اگر سالی قحطی می‌شود، ممکن بود. ولی اگر قحطی نمی‌شد، کشاورزی خوب بود، گندم قیمت مشخصی داشت. گندم می‌دادند برنج می‌گرفتند، گوشت می‌گرفتند. اینها چیزی بود که دایره بود. از وقتی که پول پیدا شد و اسکناسها درست شد، همانجا شاخصهایی درست شد. نه اینکه قیمت ترقی می‌کرد، تنزل و کاهش قدرت خرید می‌شد. شما اگر الان در خود ایران حساب کنید یا جای دیگر، نمی‌توانید بگویید این جنس ترقی کرده است.

س: حاج آقا ببخشید. من فقط از جهت اینکه ذهنم روشن شود عرض کنم. فرض کنیم که کسی در صدر اسلام پول داشت، پول سکه‌ای که بفرمایش شما ارزش ذاتی هم تا حدی داشت.

ج: در اول اسلام سکه ایران را داشتند، ضرب سکه ساسانیان بود.

س: بله، این سکه‌ها بود. این آقا می‌توانست با این سکه‌اش برود تجارت بکند، خرید و فروش بکند، سود بکند. خوب حالا در حقیقت این به اصطلاح سود را کنار می‌گذاشت، بجایش می‌آمد قرض می‌داد. این کار را وقتی می‌کرد که بهره وامدهی، که در اصل هزینه فرصت از دست رفته برای تجارت بود، بیش از سود تجارت می‌شد.

ج: بله، ولی اسلام بیع و تجارت را تشویق و بیکاری را نهی نموده است. امروزه در مورد

سپرده‌دهی و سپرده‌گذاری، دادن سود و گرفتن آن تا حد جبران کاهش قدرت خرید پول ربا نیست، بلکه سود بیش از آن نیز با رضایت طرفین ایرادی ندارد. بهترین قرضها آن است که مقرض به میل خود یک چیزی هم اضافه به قرض دهنده بدهد. یا مثلاً جریمه تأخیر به ازای فلان مبلغ در هر روز تأخیر در بازپرداخت بدهی یا بابت بدهکاری حساب جایز است.